



صاحب امتیاز: انجمن نایب‌نایان ایران

مدیرمسئول: امیر سرمدی

سر دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: علی اکبر جمالی، فاطمه جوادیان، نگین

حیدری، امیر سرمدی، جواد سقا، ابوذر سمیعی، منصور

شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، امین عرب،

بهروز نبی‌زاده، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی

ویراستار: فاطمه محسن‌زاده

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان

آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی و

امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نایب‌نایان کتابخانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامی مالی: پاما، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن

نایب‌نایان ایران

ابهام در متولیان صدور مجوز برای شبکه‌های ملی و

انجمن‌های معلولان ..... ۲

گزارش عملکرد انجمن نایب‌نایان ایران (اسفند

۱۴۰۲) ..... ۶

پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های

انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی ..... ۸

در این حصار جادویی روزگار بشکن ..... ۱۱

تعامل در خرید (بخش دوم) ..... ۱۳

ده فناوری برتر برای نایب‌نایان و کم‌بینایان در

نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴ ..... ۱۵

پرداخت مستمری به افراد با آسیب بینایی، آری یا نه

..... ۱۷

مشاغل از نگاه یوتیوبر نایب‌نایان ..... ۱۹

معلولان و مالیات ..... ۲۱

همزیستی کبوتران در سرمای زمستان (چگونگی

ازدواج افراد نایب‌نایان و کم‌بینا) ..... ۲۳

نقاشی با کلمات ..... ۲۶

دکتر محمد خزائلی و گسترش نهادهای آموزشی

نایب‌نایان ..... ۲۸

نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نایب‌نایان

بهاریه ..... ۳۴

دویدن‌ها و نرسیدن‌ها! ..... ۳۴

معلولان نباشد، تکلیف سمن‌هایی که پیش از این از بهزیستی مجوز گرفته‌اند چه می‌شود؟ این انجمن‌ها برای اخذ مجوز از وزارت کشور تا چه زمانی فرصت دارند؟ ماجرا دقیقاً چیست؟

قانون چگونگی تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی تخصصی که روز بیست و هفتم بهمن‌ماه سال گذشته، پس از موافقت شورای نگهبان به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید، «انجمن‌های صنفی تخصصی» را نهادهایی می‌داند که به وسیلهٔ دارندگان کسب، پیشه، حرفه، تخصص یا مهارت معین، تشکیل شده و اهداف، برنامه‌ها و اقدام آن به صورت غیرسیاسی، غیردولتی، غیرتجاری، غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف بوده و مطابق اساسنامهٔ مصوب خود و در سطح ملی یا استانی فعالیت می‌کنند. این تشکل‌ها می‌توانند مطابق اساسنامهٔ خود با عناوین دیگر، از جمله: «جمعیت، انجمن، جامعه، مجمع، خانه و کانون» نام‌گذاری شوند. طبق بند ب مادهٔ ۱ این قانون نیز «تشکل ملی» تشکلی است که حداقل در یک‌دوم کل استان‌های کشور شعبه یا نمایندگی داشته و اعضای آن از همان استان‌ها باشند. حداقل تعداد اعضای لازم برای اخذ پروانهٔ فعالیت تشکل‌های ملی، پانصد نفر است.

سازمان بهزیستی ابتدا به استناد مادهٔ ۲۰ قانون تشکل‌های صنفی تخصصی، وزارت کشور را متولی صدور مجوز برای انجمن‌های معلولان معرفی کرد؛ هرچند این موضوع ابتدا با نظر معاونت حقوقی این سازمان اعلام شد، اما احتمالاً بعد از اعتراض‌های برخی سمن‌ها و به علت دلایلی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، سازمان بهزیستی به دنبال تجدیدنظر و اصلاح این قانون است.

در مادهٔ ۲۰ قانون تشکل‌های صنفی تخصصی آمده است: تعاونی‌ها، سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای، احزاب و تشکل‌های سیاسی، کانون‌ها و

## ابهام در متولیان صدور مجوز برای شبکه‌های ملی و انجمن‌های معلولان امیر سرمدی: مدیرمسئول



در هفته‌های اخیر لغو برگزاری مجمع شبکهٔ ملی نایب‌نایان (شمن) در محافل نایب‌نایان مباحث بسیاری را به دنبال داشت؛ هرچند این موضوع مهم می‌توانست بیشتر خبرساز شود، اما سمن‌های ویژهٔ نایب‌نایان حساسیت چندانی را از خود نشان ندادند؛ به همین بهانه در این یادداشت، ابهام‌های موجود در ارتباط با مسئولیت صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد را زیر ذره‌بین برده و با مدیران عامل هر دو شبکهٔ ملی نایب‌نایان گفتگو کرده‌ایم.

طبق آگهی منتشرشده در روزنامهٔ رسمی قرار بود بیست و چهارم بهمن‌ماه سال جاری مجمع انتخاباتی شبکهٔ ملی نایب‌نایان ایران (شمن) پس از ماه‌ها وقفه به‌منظور تکمیل اعضای هیئت‌مدیره برگزار شود، اما روز قبل از برگزاری مجمع، سازمان بهزیستی به استناد قانون نحوهٔ تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی تخصصی این مجمع را لغو و اعلام کرد از این پس بهزیستی مسئولیتی در قبال شبکه‌های ملی و سازمان‌های مردم‌نهاد معلولان ندارد و به استناد قانون مذکور، این انجمن‌ها باید مجوز خود را از وزارت کشور دریافت کنند. در همین راستا پرسش‌های بسیاری شکل گرفت و به ابهام‌های موجود افزوده شد، از جمله آنکه اگر قرار باشد از این پس بهزیستی متولی صدور مجوز برای انجمن‌های ویژهٔ

کارشناسان دفتر انجمن‌های سازمان بهزیستی به نسل مانا اعلام کردند در توافقی شفاهی با سازمان امور اجتماعی وزارت کشور، آنها پذیرفته‌اند صدور مجوز شبکه‌ها و انجمن‌های ویژه معلولان برعهده بهزیستی باشد، اما قرار است در جلسه‌ای که با معاونت حقوقی سازمان برگزار خواهد شد، راهکاری حقوقی و قانونی برای آن پیدا شود.



حمید جعفری، مدیرعامل شمنا، در این ارتباط در مصاحبه با نسل مانا گفت: قرار بود در بهمن‌ماه مجمع شبکه شمنا را برگزار کنیم که سازمان بهزیستی مانع از آن شد. به اعتقاد ما در بند ج قانون حمایت از حقوق معلولان به صراحت آمده است که سازمان بهزیستی مسئول تشکیل شبکه‌های ملی معلولان است و قانون تشکیل‌های صنفی تخصصی شامل حال ما نمی‌شود؛ چراکه بخش اقتصادی وزارت کشور مسئول اجرای این قانون است، درحالی‌که فعالیت‌های ما تاکنون زیر نظر سازمان امور اجتماعی وزارت کشور بوده است و ما یک تشکل اجتماعی محسوب می‌شویم تا یک ارگان اقتصادی.

جعفری ادامه می‌دهد: این قانون بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ تصویب شده و خردادماه ۱۴۰۲ از سوی دکتر دهقان، معاون حقوقی ریاست جمهوری، به وزارت کشور ابلاغ شده است. چرا در هشت ماه گذشته وزارت کشور در این ارتباط سکوت کرده و این قانون را به سازمان بهزیستی اطلاع نداده بود؟ اگر هم بهزیستی از این قانون اطلاع داشت، چرا در فصل پاییز که در دو مرتبه قرار بود مجمع

سازمان‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، تشکل‌های کارگری و کارفرمایی موضوع قانون کار، انجمن‌های علمی، مؤسسات فرهنگی، هنری و ادبی، باشگاه‌ها و هیئت‌های ورزشی، مؤسسات تجاری و انتفاعی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات موضوع بندهای ۱ تا ۱۲ ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ از شمول این قانون مستثنا هستند.

ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اشاره به نهادهایی دارد که سازمان بهزیستی موظف است پس از بررسی‌های کارشناسی، برای آنها مجوز صادر کند. طبق تبصره‌های ۱ تا ۱۲ ماده ۲۶ تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مراکزی که مسئولیت صدور مجوز آن بر عهده سازمان بهزیستی است مانند مهدهای کودک، مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی، درمانگاه‌ها و اورژانس‌های مددکاری اجتماعی، تأسیس مراکز حرفه‌آموزی معلولین، مراکز خدمات مشاوره اجتماعی، تأسیس مراکز خدمات مشاوره ژنتیک، مراکز توان‌بخشی معلولین و... فعالیت‌های انتفاعی دارند و در زیرمجموعه قانون تشکل‌های صنفی تخصصی تعریف نشده‌اند، اما تبصره ۱۳ ماده ۲۶ تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که می‌گوید: بهزیستی مسئول صدور مجوز برای تأسیس انجمن‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی و خیریه است که در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور فعالیت می‌کنند، در ماده ۲۰ قانون تشکل‌های صنفی تخصصی مستثنا نشده است؛ در نتیجه تبصره ۱۳ را ذیل این قانون به‌شمار می‌آورند که انجمن‌ها و مؤسسه‌هایی را دربرمی‌گیرد که فعالیت‌های انتفاعی ندارند و مسئولیت آن بر عهده وزارت کشور است.

پیگیری‌های نسل مانا از سازمان بهزیستی در این ارتباط حاکی از آن است که سازمان بهزیستی به تکاپو افتاده تا همچنان مسئولیت صدور مجوز سمن‌های معلولان را در دست خود داشته باشد؛ در همین راستا

دیگر عبارت تخصصی در ادامهٔ تشکل‌های صنفی آمده است که برخی از انجمن‌های معلولان را می‌توان به‌نوعی تشکل‌های تخصصی دانست.

معینی بیان کرد: در این مورد تعدد قوانین بسیار است. از سویی آیین‌نامهٔ هیئت‌وزیران مصوب سال ۱۳۹۵ موجود است که تنها قانون بالادستی در حوزهٔ سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شود و اصلاحاتی برای آن نیز در حال آماده‌سازی است. از سوی دیگر پیش‌نویس قانون سازمان‌های غیردولتی در مرکز پژوهش‌های مجلس در حال ارزیابی بود و حتی در کمیسیون‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت، اما به مجلس کنونی دیگر قد نخواهد داد.

از سوی دیگر قانون تشکل‌های صنفی تخصصی مصوب ۱۴۰۱ را پیش‌رو داریم که با آیین‌نامهٔ هیئت‌وزیران مصوب ۹۵ تداخل بسیاری دارد. باید حدود ثغور قانون تشکل‌های صنفی شفاف شود که این تشکل‌ها انتفاعی هستند یا خیر. همچنین در مادهٔ ۴ آیین‌نامهٔ سال ۹۵ هیئت‌وزیران در ارتباط با سازمان‌های غیردولتی قید شده است مرجع صدور مجوز برای شبکه‌های ملی به‌صورت انحصاری بر عهدهٔ وزارت کشور است. همین موضوع باعث شده بهزیستی و وزارت کشور با یکدیگر کشمکش داشته باشند. مدیرعامل شبکهٔ ملی چاووش در پاسخ به این پرسش که مرجع رسمی صدور مجوز برای سمن‌های معلولان بهتر است کدام نهاد باشد می‌گوید: برخی از معلولان اعتقاد دارند بهزیستی خانهٔ ما است و چون طبق قانون امکان حمایت مالی از ما را دارد، باید مجوز خود را از این سازمان بگیریم مانند مدیران وقت شمنا که فکر می‌کردند بهزیستی به آنها هم پول می‌دهد هم دفتر کار. بعد مشخص شد این مسائل سرابی بیش نبوده است.

معینی اعتقاد دارد یکی از مهم‌ترین وظایف سازمان‌های غیردولتی، نظارت و مطالبه‌گری از دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوط به‌منظور احیای حقوق جامعهٔ هدف خود است؛ بنابراین یک سازمان نباید ناظر بر انجمنی

شبکهٔ شمنا برگزار شود، مانع آن نشد؟ دکتر جعفری بر این باور است ریاست کنونی سازمان بهزیستی کشور اعتقاد و اعتنایی به ماهیت وجودی شبکه‌های ملی معلولان ندارد و قانون تشکل‌های صنفی تخصصی تنها بهانه‌ای برای رهایی از این شبکه‌ها است؛ چراکه بهزیستی نتوانسته تاکنون از این شبکه‌ها آن‌طور که باید پشتیبانی و حمایت کند. مدیرعامل شمنا در نهایت می‌گوید به دنبال حل این مشکل هستیم و قرار است جلساتی را با حضور مسئولان مرتبط در سازمان بهزیستی، وزارت کشور و نهاد ریاست جمهوری برگزار کنیم.



سهیل معینی، مدیرعامل دیگر شبکهٔ ملی آسیب دیدگان بینایی چاووش، در مصاحبه با نسل مانا در واکنش به سخنان کارشناس دفتر امور انجمن‌های سازمان بهزیستی مبنی بر توافق با وزارت کشور برای صدور مجوز تشکل‌های معلولان می‌گوید: صرف‌نظر از مباحث مربوط در قانون تشکل‌های صنفی تخصصی، طی تماسی که با دفتر امور تشکل‌های اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس داشتیم، آنها اعلام کردند مواد مربوط به این قانون بر عهدهٔ معاونت اقتصادی وزارت کشور است و سازمان امور اجتماعی این وزارتخانه، صلاحیتی برای اظهارنظر در این ارتباط ندارد. معینی اعتقاد دارد ابهام‌ها در قانون چگونگی تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی تخصصی بسیار است. تعریفی که از تشکل‌های صنفی آمده، به‌نوعی شامل حال تشکل‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی هم می‌شود، درحالی‌که سمن‌های معلولان صنفی نیستند. از سوی

معینی ادامه داد: در شرایط کنونی، تعدد شبکه‌ها در کشور ما موجب تفرقه خواهد شد؛ چراکه فرهنگ مشارکت اجتماعی در میان مردم ایران رواج پیدا نکرده است. نمونه بارز آن تشکیل شبکه شمن‌ها بود و گذشت سه سال از تأسیس این شبکه نشان داد ظهور یک شبکه ملی دیگر در حوزه نایب‌ان، به جای چانه‌زنی بیشتر برای پیگیری مطالبات جامعه هدف، موجب تفرقه در میان این قشر شد؛ بنابراین تشکیل شبکه‌های موازی در حوزه معلولان بی‌تردید به زیان آنها خواهد بود. بدیهی است اگر سازمان بهزیستی به دنبال رفع مسئولانه این چالش و نه بر اساس لجاجت است، باید هر دو شبکه را در هم ادغام کند؛ چراکه ۹۰ درصد اعضای تحت پوشش آنها یکسان هستند و تنها اعضای هیئت‌مدیره این دو شبکه تفاوت دارند. همین موضوع را در حوزه معلولان با آسیب شنوایی و معلولان جسمی هم شاهد هستیم.

مخلص کلام آنکه سال ۱۴۰۳، سال تعیین‌کننده‌ای برای روشن شدن مرجع تخصصی صدور مجوز برای سازمان‌های غیردولتی خواهد بود. باید منتظر ماند و دید بهزیستی می‌تواند مانند دهه‌های اخیر صدور مجوز سمن‌های معلولان و شبکه‌های ملی این قشر را در قدرت و کنترل خود داشته باشد یا با آزاد شدن این تشکل‌ها از یوغ بهزیستی، شاهد بالندگی سمن‌های معلولان و مطالبه‌گری مجدانه آنها از این سازمان خواهیم بود. اگر قوانین بالادستی در این زمینه تغییر نکند و همچنان مبهم باقی بماند، باید شاهد اختلاف‌نظرهای بیشتری از سوی بهزیستی با وزارت کشور باشیم؛ امری که زیانش مستقیم متوجه اعضای جامعه هدف بهزیستی خواهد بود مانند بالاکلیفی شبکه شمن‌ها در دو سال گذشته که البته ظاهراً برای کسی چندان اهمیتی نداشته است؛ نه برای نایب‌ان که در رختی عمیق فرو رفته‌اند نه برای مدیران ارشد سازمان بهزیستی!

باشد که خود ارائه‌دهنده مجوز به آن تشکل بوده است؛ چراکه در این صورت می‌تواند در مواقع مورد نیاز آنها را محدود کند، استقلال این سمن‌ها را از بین ببرد و به‌منظور رسیدن به اهداف خود، این تشکل‌ها را با اعمال قدرت تحت فشار قرار دهد مانند کاری که اسفندماه سال ۱۳۹۹ در مجمع انتخاباتی شبکه شمن‌ها انجام دادند.

معینی ادامه داد: پیشنهاد ما طبق پیش‌نویس قانون سازمان‌های غیردولتی، مبتنی بر ایجاد یک مرجع و پنجره واحد برای صدور مجوز سازمان‌های غیردولتی از سوی وزارت کشور است؛ با این تفاوت که برای سمن‌های تخصصی، از سازمان مربوط نیز استعلام گرفته شود؛ برای مثال اگر وزارت کشور بخواهد برای یک تشکل در حوزه نایب‌ان مجوز صادر کند، باید ابتدا از سازمان بهزیستی در ارتباط با اهلیت آن تشکل استعلام بگیرد.

معینی در پاسخ به این پرسش که چرا معاونت حقوقی ریاست جمهوری مهرماه سال ۱۴۰۰ در ارتباط با صدور مجوز برای شبکه‌های ملی، رأی را به بهزیستی داد، اما شما اعتقاد دارید طبق ماده ۴ آیین‌نامه سال ۹۵ این امر به صورت انحصاری مربوط به وزارت کشور است، بیان کرد: طبق بند هشتم ماده ۳۸ احکام دائمی کشور، سازمان بهزیستی می‌تواند برای مؤسسه‌ها و تشکل‌ها مجوز صادر کند. استدلال معاونت حقوقی ریاست جمهوری آن بود که چون اسمی از تشکل‌ها آمده، پس شامل شبکه‌های ملی نیز می‌شود. واقعیت آن است که در این دعوی حقوقی، وزارت کشور بسیار ضعیف عمل کرد و لابی قدرتمند سازمان بهزیستی باعث صدور رأی به نفع این سازمان شد، اما ما این موضوع را قبول نداریم؛ چراکه بهزیستی شبکه شمن‌ها را اسفند ۹۹ تأسیس کرده، اما هفت ماه بعد برای قانونی جلوه دادن آن رأی گرفته است.

# نسل‌مانا

قرار نمی‌گرفت. بسیاری از خیرین و همراهان انجمن هم هستند که در حوزه‌های متونعی دست یاری به ما داده‌اند اما نمی‌خواهند نامی از آنها برده شود. البته که حاج آقا موثقی هم از ما خواسته نامش برده نشود اما ما ترجیح دادیم به رسم تشکر نام ایشان را قید کنیم اما خیرینی هستند که در حوزه‌های فرهنگی، حمایتی، توانبخشی و سایر حوزه‌ها با ما همکاری‌های تنگاتنگی داشته‌اند. به طور خاص می‌خواهم از خیرینی تشکر کنم که زمینه‌ساز تدوین و چاپ دایرةالمعارف نابینایان ایران شدند و این مرجع ارزشمند را در اختیار نابینایان گذاشتند. همچنین به همت این افراد، این مجموعه قرار است در سال آینده در تیراژ انبوه چاپ و در اختیار کتابخانه‌ها گذاشته شود. بعلاوه، قرار است در سال آینده با همکاری دفتر فرهنگ معلولین و مدیران این مرکز آقایان محمد و علی نوری، دایرةالمعارف معلولین جسمی و حرکتی را تدوین کنیم. از این دفتر هم به خاطر همکاری‌های مستمرشان با انجمن سپاسگزاریم. نام بردن از تک به تک خیرین همراه انجمن، از حوصله این گزارش خارج است؛ لذا از علاقمندان خواهشمندم جهت مطالعه ریز به ریز این گزارش، به مطلبی که به همین منظور در وبسایت انجمن منتشر خواهد شد مراجعه کنند.

از دیگر فعالیت‌های انجمن در حوزه فرهنگی یکی هم تهیه برجسته‌نگار هوشمند همراه برای بخش نابینایان کتابخانه‌های وابسته به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بود. در طول ماه‌های گذشته بیش از چهل دستگاه خریداری و در اختیار نهاد گذاشته شد. همچنین تعداد بیشتری دستگاه را هم انجمن خود در اختیار مراکز نابینایی قرار داد. ما معتقدیم گرانی این دستگاه باعث شده افراد نتوانند شخصاً مبادرت به خرید آن کنند و به همین دلیل این مراکز باید بتوانند این دستگاه‌ها را در اختیار دانشجویان، محققان و دانش‌آموزان نابینا بگذارند. همچنین بر این باوریم که این دستگاه می‌تواند زمینه‌های اشتغال نابینایان را هم فراهم کند. به همین منظور هم استانداردهای مربوط به شش شغل را تدوین

## گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (اسفند ۱۴۰۲)

در واپسین روز از آخرین ماه سال، پای صحبت‌های گردانندگان انجمن نابینایان ایران خواهیم نشست. منصور شادکام، قائم‌مقام و علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن، در خصوص فعالیت‌های این انجمن در طول یک ماه گذشته و افق سال آتی، گزارشی را در اختیار ماهنامه نسل مانا گذاشته‌اند که توجه علاقمندان را به این گزارش جلب می‌کنیم. شما همچنین می‌توانید نسخه کامل‌تری از این گزارش را در قالب یک فایل صوتی ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

### منصور شادکام قائم‌مقام



پیشاپیش لازم می‌دانم سال نو خورشیدی را به تمامی مخاطبان نسل مانا و اعضای انجمن نابینایان ایران تبریک عرض کنم. از زحمات شبانه‌روزی تک‌تک اعضای تحریریه این ماهنامه هم سپاسگزار می‌کنم. همچنین لازم می‌دانم از این فرصت استفاده کنم و از همراهی خیرینی که در طول یک سال گذشته با انجمن همکاری کردند هم تشکر کنم. اگر همکاری‌های این افراد نبود قطعاً ما نمی‌توانستیم این حجم از خدمات را به اعضایمان ارائه کنیم. به طور خاص لازم می‌بینم از جناب حاج آقا موثقی نام ببرم که در طول یک سال گذشته بیش از ۶۰۰ سبد معیشتی را در اختیار اعضای انجمن گذاشت و همچنین بانی برگزاری سفرهای زیارتی انجمن بود که آخرین این سفرها به یک ماه پیش بازمی‌گردد که بیش از ۵۰ نفر از اعضا توانستند به زیارت نجف و کربلای معلا مشرف شوند. اگر نبود همکاری افرادی مثل حاج آقا موثقی، چنین موقعیتی در اختیار ما

را هم تقدیم جناب آقای روح‌الله رنجبر، مسؤول محترم چاپ و توزیع نسل مانا می‌کنم که این نشریه را به موقع و منظم و به شکلی آراسته در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. همچنین امیدوارم اعضای فرهیخته تحریریه نسل مانا، در دیگر حوزه‌ها هم یاری‌گر ما باشند تا بتوانیم پروژه‌های ارزشمندی را در زمینه نابینایان به سرانجام برسانیم.



در سال گذشته در ماه اردیبهشت، تقویمی را برای امسال در نظر گرفتیم که خوشبختانه موفق شدیم ۷۰ تا ۸۰ درصد این تقویم را عملیاتی کنیم. در همین راستا از اعضای انجمن هم می‌خواهیم که صرفاً دریافت‌کننده خدمات انجمن نباشند و در هر حوزه‌ای که می‌توانند، دست‌یاری به ما بدهند تا همه نابینایان از توانمندی‌هایشان بهره‌مند شوند. در سال آینده هم با توجه به استقبال مخاطبان از فعالیت‌های فرهنگی انجمن، تمرکز ما بر روی این قبیل فعالیت‌ها خواهد بود و سعی خواهیم کرد این عرصه را با کیفیت و کمیت قابل قبول‌تری پیش ببریم. با تأکید بر این نکته که همچنان خدمات رفاهی و حمایتی انجمن هم به قوت خویش و چه بسا قوی‌تر از سال‌های قبل برقرار خواهد بود.

در پایان لازم می‌دانم از فعالیت‌های دفاتر نمایندگی انجمن در تهران و سایر شهرستان‌ها هم تشکر کنم و امیدوارم آنها هم بتوانند در سال آینده خدمات درخوری را در اختیار جامعه هدف بگذارند. علاقمندان برای مطالعه گزارش ریز فعالیت‌های انجمن در سال ۱۴۰۲ به وبسایت این انجمن به نشانی [ibngo.ir](http://ibngo.ir) مراجعه کنند.

کرده‌ایم و قرار است آموزش‌های مربوطه را در اختیار نابینایان بگذاریم تا این افراد بتوانند به کمک این دستگاه، زمینه‌های اشتغال پایدار را برای خود فراهم کنند.

از دیگر فعالیت‌های فرهنگی انجمن، برگزاری جشنواره ملی کاما بود که در سال پیش رو دور بعدی آن برگزار خواهد شد. همچنین در پاییز سال بعد دومین دوره جشنواره گامینو را برگزار خواهیم کرد. دوستان بهتر است این نکته را در نظر داشته باشند که تمام این فعالیت‌ها با همت ده نفر اعضای همکار انجمن برگزار می‌شود که همینجا از زحماتشان تشکر می‌کنم. حتماً می‌دانید که انجمن‌ها، نه بودجه دولتی دارند و نه از جایی به صورت مستمر و مداوم حمایت می‌شوند. هر خدماتی که ارائه می‌کنیم، همگی بر مبنای ارتباطات فردی و اعتباری است که ما بین دوستانمان داریم. در این میان اما برخی اوقات کم‌لطفی تعداد انگشت‌شماری از نابینایان شامل حال ما می‌شود و آنها نادانسته، صحبت‌هایی حاوی تهمت و توهین مطرح می‌کنند و حتی بعضاً در قالب تماس‌های تلفنی، نکات ناخوش‌آیندی را مطرح می‌کنند. هر نفس سلیمی می‌داند که امکانات انجمن‌ها در ایران محدود است و ما نمی‌توانیم همه ۱۱ هزار نفر اعضای انجمن را تحت پوشش کمک‌های معیشتی و حمایتی قرار دهیم. لذا، پرونده‌های افراد را دهک‌بندی کرده‌ایم تا بتوانیم خدمات را به کسانی بدهیم که واقعاً به آن خدمات احتیاج دارند. حال که در ماه رمضان هستیم و در آستانه سال نو، خوب است که دل‌ها را از کینه و افکار منفی پاک کنیم تا از کسانی که در راستای بهتر شدن کیفیت زندگی ما قدمی برمی‌دارند، حمایت کنیم.

## علی اکبر جمالی مدیرعامل

من هم در آخرین ساعات سال ۱۴۰۲، هلول سال نو را به شما تبریک می‌گویم و برایتان سالی سرشار از بهروزی آرزو می‌کنم. همچنین لازم می‌دانم از همکاری اعضای تحریریه نسل مانا تشکر کنم. تشکر ویژه خود



# نسل‌مانا

نابینایان فراهم می‌کند. روشن است که در این فقره هم رد پای هوش مصنوعی مشاهده می‌شود، البته با ذکر این نکته که این بار، برخلاف روند رایج در ایران که هوش مصنوعی تنها به ابزار جابه‌جایی خواننده بین ترانه‌های مختلف و به آتش کشیدن نوستالژی‌های ما بدل شده، سه ایرانی، هوش مصنوعی را مسخر خویش کرده و به خدمت نابینایان گمارده‌اند.

با «متکیکر»<sup>۱</sup> در یکی از نوشته‌های وبگاه پرکینز آشنا می‌شویم؛ جایی که نویسنده توضیح می‌دهد این ابزار مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند اصلی‌ترین مشکل نابینایان در یادگیری ریاضی، یعنی دسترسی به متون و فرمول‌های این رشته را برطرف کند، اما ببینیم ماجرا از چه قرار است و هوش مصنوعی چطور چنین مشکل بزرگی را حل می‌کند؟

متکیکر که یک پلتفرم رایگان است، به کاربران امکان می‌دهد با نام و آدرس ایمیلشان در این پلتفرم ثبت‌نام کنند و سپس یک آدرس شخصی از طریق ایمیل برایشان ارسال می‌کند تا از این پس کار را با آن آدرس پیش ببرند. وقتی کاربر وارد آدرس شخصی خود در وبگاه متکیکر می‌شود، امکانی برایش مهیا است تا فرمول، معادله یا به‌طور کلی جمله‌های ریاضی مدنظرش را به شکل پی‌دی‌اف یا در انواع فرمت‌های عکس به این سامانه بسپارد و وظیفه سامانه هم این است که در زمانی معادل کمتر از یک دقیقه، آن را به یک سند میکروسافت‌ورد تبدیل کند. در ادامه مسیر، صفحه‌خوان‌ها وارد بازی می‌شوند و با امکاناتی که در نسخه‌های اخیرشان تعبیه شده، متن ریاضی مندرج در سند ورد را برای کاربر می‌خوانند. مزایای این کار تنها به این یک مورد خلاصه نمی‌شود و افزون بر کاربران صفحه‌خوان‌ها، تبدیل‌کنندگان متون ریاضی به بریل هم می‌توانند از این امکان رایگان برای تبدیل متون ریاضی به بریل استاندارد بهره ببرند؛ چراکه این سامانه می‌تواند

## پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

در این شماره ابتدا راهی برای خواندن متون ریاضی به شکل الکترونیکی خواهیم یافت و در ادامه به آمریکا سفر می‌کنیم تا اوضاع دسترسی نابینایان آنجا را به کتاب و منابع مطالعاتی بررسی کنیم و در پایان هم دسترسی‌پذیری را در ساعت‌های گوگل واکاوی خواهیم کرد.

## ساخت متون ریاضی دسترسی‌پذیر به کمک هوش مصنوعی



علاقه‌مندان و دنبال‌کنندگان پیشخوان نیک می‌دانند که گشایش راه‌های تازه برای دسترسی نابینایان به مرزهای جدیدی از علوم تا چه میزان برای تولیدکنندگان پیشخوان اهمیت دارد؛ از همین رو ما هر ماه سعی می‌کنیم پیشرفت‌هایی را که در این راستا صورت گرفته است دنبال کنیم و جدیدترین‌هایش را با شما به اشتراک بگذاریم. یکی از تازه‌ترین اتفاق‌هایی که اخیراً گردوآخی در میان نابینایان اهل علم به پا کرده، دسترسی به سرویسی تازه است که امکان تبدیل فرمول‌های ریاضی را به علائم قابل خواندن برای

<sup>1</sup> Mathkicker

# نسل‌مانا

نفر از نابینایان قرار گرفته بود؛ ابزاری که قرار بود مشکل دسترسی نابینایان به منابع مطالعاتی بریل را تا حد زیادی برطرف کند. برای فهم آنچه در آمریکا اتفاق افتاده است، لازم است یک دهه به عقب برگردیم.

یکی از اصلی‌ترین متولیان دسترسی نابینایان به کتاب در ایالات متحده، مرجعی به نام «خدمات ملی کتابخانه‌ای»<sup>۲</sup> است که به اختصار با عنوان «ان‌ال‌اس» از آن یاد می‌شود. در سال ۲۰۱۳م جمعی از بزرگان نابینایان به همراه کارشناسان این مرکز گرد هم آمدند و مذاکرات مفصلی را در زمینه چگونگی تسهیل دسترسی نابینایان به منابع مطالعاتی بریل انجام دادند. از جمله نکاتی که در این مذاکرات بر آن تأکید شد، این بود که درست است که در حال حاضر با فراگیرتر شدن استفاده از نمایشگرهای بریل این شانس برای نابینایان به وجود آمده است تا هر کتابی را که می‌خواهند به راحتی از اینترنت بارگیری کنند و بخوانند، اما گرانی بیش از اندازه این دستگاه‌ها باعث شده همگان نتوانند به آن دسترسی داشته باشند و همین هم به حقیقت محرومیت نابینایان دامن زده است. آنها معتقد بودند باید راهی پیدا کرد تا نابینایان هم بتوانند همانند بقیه با یک دستگاه کتابخوان، به کتاب‌ها دسترسی داشته باشند. نتیجه این مذاکرات تنگاتنگ این بود که پنج میلیون دلار بودجه تصویب شد تا دو تا از شرکت‌های معتبر سازنده نمایشگر بریل، «زومکس»<sup>۳</sup> و «هیومنور»<sup>۴</sup> دست به کار ساخت یک کتابخوان بریل شوند. تاریخ مارس ۲۰۲۰ که در ابتدای این گزارش به آن اشاره شد، زمانی است که کارها به سرانجام رسیده و طراحی و تولید نتیجه داده است و حالا ان‌ال‌اس یک کتابخوان بریل دارد که می‌تواند آن را در اختیار نابینایان در سراسر آمریکا بگذارد.

دستگاه‌هایی که هر دو شرکت تولید کرده‌اند شامل بیست سلول بریل و یک صفحه کلید مبتنی بر طراحی

متون را به شکلی طراحی کند که برای چاپ بریل یا نمایش روی نمایشگرهای بریل هم متناسب باشد؛ به‌طور مثال سامانه آن قدر می‌فهمد که در مواقع نیاز، متون را از یک خط به دو خط تبدیل کند تا در نمایشگرهای بریل هم به درستی نمایش داده شود. اگر با من در نسخه صوتی پیشخوان همراه شوید می‌توانید نمونه کار این سامانه رایگان را در قالب یک فایل صوتی بشنوید.

## یک داستان واقعی از تحقق شعار برابری

یکی از حوزه‌هایی که افراد با آسیب بینایی با گوشت و پوستشان



ناخوشایند نابرابری را در آن حس می‌کنند، دنیای جذاب کتاب‌ها و سایر منابع مطالعاتی است. این درست که این سال‌ها به لطف فناوری‌ها، دسترسی ما به منابع مطالعاتی در قیاس با نسل‌های پیشین به مراتب آسان‌تر شده، اما هنوز دسترسی ما به این قبیل منابع آن قدر دشوار است که به صراحت بتوان از این اوضاع با نام «سوء تغذیه مطالعاتی» نام برد. در این میان برخی دولت‌ها درصد برآمده‌اند تا هر یک به طریقی این مشکل را حل کنند. گزارشی که در شماره زمستان فصلنامه «اکسیس ورلد»<sup>۱</sup> آمده، یکی از این تجربیات ارزنده را نقل می‌کند.

این گزارش خواندنی با یادآوری روزهای پرده‌مارس ۲۰۲۰ آغاز می‌شود؛ زمانی که کووید تازه متولد شده بود و دنیا با قرنطینه و ماسک و کلیدواژه‌هایی این‌چنین دست‌به‌گریبان بود. نویسنده این گزارش این‌طور حکایت می‌کند که آن روزها برای نابینایان آمریکایی یادآور اتفاق دیگری هم بود و آن هم اینکه اولین نمونه‌های کتابخوان بریل برای انجام مراحل تست در اختیار هفت

<sup>3</sup> Zoomax

<sup>4</sup> Humanware

<sup>1</sup> Access World

<sup>2</sup> National Library Service

ساعت‌های پیکسل رفته بوده، اما شرایط دسترسی‌پذیری آن‌قدر ناامیدکننده بوده است که ترجیح داده اساساً ویدئویی ضبط نکنند، اما گویا این بار ماجرا فرق می‌کند. آن نسخه‌ها گویا از نظر اشاره‌ها و حتی امکانات درشت‌نمایی در فقر مطلق به سر می‌برده‌اند، اما این نسخه با بهبود قابل‌توجهی مواجه است.

پیکسل ۲ امکانی را فراهم کرده تا کاربران در هنگام راه‌اندازی، سه بار دکمه کناری ساعت را بفشارند تا از همان ابتدای کار تاک‌بک برایشان فعال شود. همچنین انبوهی از اشاره‌ها هم در اختیار کاربران قرار گرفته است تا بتوانند ساعت را کنترل کنند، مثلاً اینکه می‌توانند دو بار با دو انگشت ضربه بزنند تا وارد صفحه تماس‌ها بشوند؛ به‌علاوه کاربران می‌توانند برای پاسخ یا پایان دادن به مکالمه، دو انگشت را دو بار روی صفحه بزنند و ضربه دوم را نگه‌دارند. این کار در شرایط خارج از مکالمه به قطع و وصل پخش پرونده‌های چندرسانه‌ای خواهد انجامید. نکته دیگر درباره تاک‌بک ساعت این است که با توجه به کوچک بودن صفحه، کاربر فقط می‌تواند از اشاره‌های یک و دو انگشتی استفاده کند؛ به‌همین خاطر از حرکات کشیدن انگشت هم در موقعیت‌های مختلف استفاده شده است، مثلاً می‌توانید با کشیدن یک انگشت به سمت پایین و سپس راست، وارد تنظیمات صفحه‌خوان شوید و اگر پایین و سپس چپ را رسم کنید، دکمه بازگشت زده خواهد شد.

درباره وضعیت دسترسی‌پذیری ساعت‌های گوگل در نسخه صوتی با جزئیات صحبت کرده‌ایم. آنجا علاوه بر تاک‌بک، به تشریح اوضاع درشت‌نمایی هم پرداخته‌ایم. اگر می‌خواهید نسخه صوتی را دریافت کنید، می‌توانید آن را ذیل همین نوشته در وبگاه نسل‌مانا یا کانال‌ها و صفحات ما در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیدا کنید.

کلیدهای ماشین‌پرکینز است. هر دو دستگاه به‌قدری سبک و کوچک طراحی شده‌اند که به‌سادگی می‌توان آن‌را در کیف یا کوله‌پشتی جا داد و همه‌جا با خود حمل کرد. هر دو از وای‌فای و بلوتوث پشتیبانی می‌کنند و شانزده گیگابایت فضا برای ذخیره‌سازی کتاب‌ها در اختیار کاربر می‌گذارند. این امکان هم فراهم است که چنانچه به هر دلیل فضای شانزده گیگابایتی پر شد، کاربر بتواند با افزودن یک کارت حافظه، دستگاه را تقویت کند. شارژ دستگاه‌ها هم از طریق شارژر تایپ سی انجام می‌شود و یک درگاه یو‌اس‌بی هم طراحی شده تا کاربران بتوانند از حافظه فلش هم بهره ببرند. این دستگاه‌ها می‌توانند با اتصال به اینترنت، کتاب‌های آنلاین را روی حافظه ذخیره کنند تا کاربر بتواند به شکل برون‌خط آنها را مطالعه کند. کاربرد دستگاه‌ها به این مورد خلاصه نمی‌شود و اگر می‌خواهید درباره‌اش بیشتر بدانید، لازم است نسخه صوتی پیشخوان را بشنوید. آنجا به تفصیل توضیح داده‌ایم که ابعاد دستگاه و طراحی کلیدهایش چگونه است و چه کارهای دیگری هم انجام می‌دهد. این دستگاه در حال حاضر در چهل ایالت آمریکا در دسترس متقاضیان قرار گرفته است و احتمالاً به‌زودی سایر ایالت‌های باقی‌مانده هم به سطح زیر پوشش آن اضافه خواهد شد.

## وضعیت دسترسی‌پذیری در ساعت‌های گوگل پیکسل

برای مرور قابلیت‌های دسترسی در ساعت جدید گوگل، به سراغ تجربیات یک خانم یوتیوبر نابینا به نام «کری» رفته‌ایم که کانالی را با نام «کری



آن اکسیسیبیلیتی»<sup>۱</sup> را اداره می‌کند. کری توضیح می‌دهد که گویا پارسال هم برای ساخت ویدئو به سراغ

<sup>1</sup> Carie on Accessibility

را تشخیص دهند و برای مثال در خیابان، همکارانشان را نشناسند و سلام و احوالپرسی نکنند.

متأسفانه این یکی از چالش‌هایی است که افراد کم‌بینا ممکن است در هر محیطی، از خانه و جمع دوستان و اقوام گرفته تا محل تحصیل و کار با آن مواجه باشند. این گروه از افراد نه نابینا محسوب می‌شوند و نه آن قدر می‌بینند که بتوانند انتظارات محیطی را به اندازه فردی بینا برآورده کنند. این دغدغه بسیاری از افراد کم‌بینا است و هر یک از افراد کم‌بینا روش خاص خودشان را برای مدیریت این چالش در پیش می‌گیرند. برخی آسیب بینایی و تمام چالش‌هایش را می‌پذیرند و وضعیت بینایی‌شان را برای دوستان و همکاران توضیح می‌دهند و گروهی نمی‌پذیرند و از برملا شدن این حقیقت شرم دارند، کم‌بینایی‌شان را انکار می‌کنند و تلاش می‌کنند به اطرافیان القا کنند که اختلال بینایی خفیفی دارند و گروهی دیگری هم هستند که در برهه‌ای از زندگی، آسیب بینایی‌شان از دیگران پنهان می‌کنند، ولی بعد از مدتی تصمیم می‌گیرند حقیقت را پنهان نکنند. این یادداشت را از صحبت‌های یکی از دوستان کم‌بینا الهام گرفتم که چند سالی مجبور بوده کم‌بینایی‌ش را پنهان کند. در اینجا، مختصری از تجربه ایشان را نقل می‌کنم.

«من کم‌بینا هستم. چند سال پیش در یک اداره نیمه‌دولتی مشغول به کار شدم. در ابتدای کارم در آن ارگان، موضوع کم‌بینایی‌ام را با مدیران در میان گذاشتم، اما یکی از مدیران، علاوه بر ابراز همدردی و بیان اینکه با توجه به سوابق تحصیلی و کاری من به توانایی من در انجام کارها اطمینان دارد؛ پیشنهاد کرد در مورد میزان بینایی‌ام با همکاران صحبتی نکنم و این طور وانمود کنم که مثل خیلی‌ها چشمانم کمی ضعیف است و باید عینک بزنم. ایشان دلیل این پیشنهاد را این طور عنوان می‌کردند که اگر همکاران از وخامت اوضاع بینایی من اطلاع پیدا کنند، به احتمال زیاد هر اشتباهی در انجام کارها را به گردن من و ندیدنم خواهند انداخت.

## در این حصار جادویی روزگار بشکن زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران



صحبت از کم‌بینایی همه‌جا هست و ممکن است در هر جمع و محفلی، حرف از کاهش دید و نیاز به استفاده عینک به میان بیاید، بیشتر افراد جامعه، کم‌بینایی را به همین میزان می‌شناسند و تصور می‌کنند فرد کم‌بینا شخصی است که می‌تواند تنها با استفاده از عینک، کارکرد طبیعی بینایی داشته باشد. از سوی دیگر، هنگامی که از نابینایی صحبت می‌شود، بیشتر افراد شخصی را که عینک تیره زده و عصای سفید به دست دارد، در ذهن تصور می‌کنند، اما کسی نمی‌داند تکلیف افرادی که در هیچ‌یک از این دو گروه نمی‌گنجند چیست. بسیار کم هستند کسانی که بتوانند افرادی را تصور کنند که اندک بینایی برایشان باقی مانده است و با کمک آن تنها می‌توانند به امور روزمره بپردازند و با اتکا به این میزان مختصر توانایی بینایی، در محیط حرکت کنند و کارهای شخصی خود را انجام دهند. بیشتر افراد نمی‌دانند که کسانی در این دنیا زندگی می‌کنند که کمی می‌بینند و موقع راه رفتن به چیزی برخورد نمی‌کنند، اما ممکن است نتوانند چهره دیگران

این بار در دستگاهی دولتی مشغول به کار شدم. در ابتدای کار و با توجه به شغل قبلی‌ام، حتی توانایی صحبت در مورد کم‌بینایی با مدیر مجموعه را نداشتم و نمی‌دانستم که چه کنم که تجربه تلخ گذشته تکرار نشود، اما آشنایی با یک خانم همکار با معلولیت در ناحیه پا، همه چیز را عوض کرد و من به راحتی و بدون ترس، موضوع را با مدیر و تمامی همکاران مطرح کردم و دیدم که هیچ اتفاق خاصی هم نیفتاد و همه همکاران، به استثنای یکی دو نفر، با این موضوع به خوبی کنار آمدند و تعامل و دوستی خوبی بین من و آنها ایجاد شد. شاید بتوانم این‌گونه وصف کنم که بعد از صحبت در مورد وضعیت بینایی‌ام، از یک دغدغه و غصه بزرگ رها شدم».

تجربه این دوست به خوبی نشان می‌دهد که پذیرش آسیب بینایی و صداقت داشتن با دیگران در مورد وضعیت بینایی می‌تواند آرامش و امنیت را برای فرد کم‌بینا به ارمغان بیاورد. هنگامی که دیگران از وضعیت بینایی فرد کم‌بینا مطلع باشند و فرد در میزان بینایی‌اش اغراق نکند؛ سطح انتظارها و توقع‌ها از او با توجه به میزان بینایی‌اش تنظیم می‌شود و شخص کم‌بینا به راحتی و در نهایت آرامش و امنیت به کار و زندگی‌اش خواهد پرداخت و ذهنش به جای درگیری مداوم بر ایفای نقش فرد بینا و بهانه‌تراشی برای توجیه کاستی‌های ناشی از ضعف بینایی بر کار و تفریح و امور روزمره زندگی متمرکز خواهد بود. این نگاه موجب می‌شود که بیشتر بتوانیم از لحظه‌های زندگی لذت ببریم. من باور دارم که آسیب بینایی نه جرم است نه گناه که از آن خجالت بکشیم. حالا که کسی به فکر ما نیست، خودمان وظیفه داریم این جامعه نیمه‌آگاه را از ویژگی‌ها و توانمندی‌ها و نیازهای افراد کم‌بینا و نابینا آگاه کنیم و امیدوارم شما دوستان عزیز نسل مانا هم با من موافق باشید و در این مسیر، با ما هم‌قدم شوید.

با شناختی که در طول همکاری با آن ارگان از آن مدیر پیدا کردم، اکنون می‌دانم که ایشان این پیشنهاد را از سر دلسوزی ارائه کردند و اطمینان دادند که کسی از ظاهر چشمانم متوجه کم‌بینایی شدید من نمی‌شود و این‌گونه بود که این باور در خودم هم شکل گرفت و در ابتدا از بینا به حساب آمدنم خیلی ذوق‌زده شدم. من با این پنهان‌کاری بزرگ در آن مجموعه شروع به کار کردم، اما هر قدر ارتباط نزدیک‌تری با همکارانم پیدا می‌کردم و هر قدر در شغلم پیشرفت می‌کردم و کارهای بیشتر و تازه‌تری به من سپرده می‌شد؛ اضطراب من از برملا شدن این راز بزرگ بیشتر می‌شد. من مجبور بودم هزار ترفند به کار ببرم که نقص بینایی‌ام را از همکارانم که حالا دوستان خوبی برایم شده بودند پنهان کنم. یادم می‌آید همیشه به دنبال چند دقیقه زمان و یک اتاق خلوت می‌گشتم که مجبور نباشم یادداشت‌هایم را در حضور همکارانم بنویسم؛ چرا که نمی‌خواستم ببینند که مجبورم صورتم را چقدر به کاغذ نزدیک کنم، اما در کنار همه این سختی‌ها، این انکار کم‌بینایی برایم لذت‌بخش هم بود. دوستان بسیاری پیدا کرده بودم که مرا از جنس خودشان می‌دانستند و هیچ فاصله‌ای بین خودم با آنها نمی‌دیدم. هیچ خبری از ترحم‌های معمول دوستی دختران بینا با یک نابینا یا کم‌بینا نبود، اما افسوس که ترس از برملا شدن این راز اجازه نمی‌داد روابطم را با این دوستان حفظ کنم. من مجبور بودم برای بیرون رفتن‌هایم با جمع این دوستان، بهانه بیاورم یا از ترس اینکه در خیابان اداره برایم دستی بلند کنند و من متوجه نشوم، سرم را موقع راه رفتن در خیابان طوری پایین بگیرم که جز کفش‌هایم چیزی نبینم. نمی‌دانم آیا می‌توانید تصور کنید که پنهان کردن چنین راز بزرگی چقدر سخت است؟ من چند سال در چنین شرایط سختی بودم و متأسفانه با تمام علاقه‌ای که به شغلم داشتم و تمام پیشرفتی که در اداره کرده بودم؛ در نهایت نتوانستم بار سنگین این راز را تحمل کنم و تصمیم گرفتم استعفا بدهم و برگردم و از صفر شروع کنم.

نداشته باشد، زمانی که به خانه می‌رود، سفارش را در منزل به آنها تحویل می‌دهد.

پروانه شاغل است و با توجه به وضعیت سنگین ترافیک روزانه دیر به منزل می‌رسد. گذر از عرض خیابان و رد کردن موانع ثابت یا متحرک در مسیر، حرکت فرد نابینا را کندتر می‌کند و زمان زیادی را از او می‌گیرد. به این مسائل چند شاخه شدن و چند اسمی شدن خیابان‌ها را هم اضافه کنید و البته مسئولیتی که زن در خانه بر عهده دارد.

پروانه هنگام خریدن لباس نمی‌تواند به فروشنده اعتماد کند؛ چراکه گوناگونی، ترکیب و اسامی رنگ‌ها نسبت به گذشته‌های دور خیلی تغییر کرده است. در این زمینه با دوست بینایی که تقریباً هم‌سن و سال پروانه است، صحبت می‌کنم. او می‌گوید: «ما این روزها در جامعه رنگ‌های کمتری را می‌بینیم. اتومبیل‌ها بیشتر یا سیاه هستند یا سفید. رنگ ساختمان‌ها هم طوسی، سیاه گاهی هم قهوه‌ای هستند. رنگ لباس‌های کارمندان اداره‌ها و شرکت‌ها هم بیشتر سیاه یا تیره است، حتی آنهایی که با سر کردن روسری میانه‌ای ندارند، بیشتر همین رنگ‌های تیره را برای لباسشان استفاده می‌کنند.» و من به‌عنوان یک نویسنده نابینا با حیرت و افسوس به حرف‌هایش گوش می‌دهم.

در گذشته تراکم مغازه‌ها خیلی کمتر بوده است؛ بنابراین پروانه راحت‌تر می‌توانست مغازه‌ای را نشان کند تا زمانی که بخواهد، به اتفاق یک همراه برای خرید لباس به آنجا برود، اما حالا ممکن است یک مغازه فست‌فود بین دو لباس‌فروشی باشد. در اینجاست که حس بویایی هم نمی‌تواند در پیدا کردن فروشگاه مورد نظر، فرد نابینا را راهنمایی کند. حرکت دست روی رگال‌ها یا قفسه‌های کفش می‌تواند تا حد زیادی به فرد نابینا کمک کند تا ضمن آشنایی با مدل‌ها و جنس‌های جدید لباس‌ها و کفش‌ها، جنس مورد نظرش را انتخاب کند. بازهم البته همه‌چیز در دسترس او نیست، مثل لباس‌هایی که در

## تعامل در خرید (بخش دوم)

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و

پرورش استثنایی گیلان



همراهان عزیز! در شماره پیش پای تجربه حمیدرضا و الهام در مورد خرید کردن و تعامل با فروشندگان نشستیم. اینک در بخش دوم و پایانی، پروانه و سهیلا ما را مهمان تجربه‌های ارزشمند خود می‌کنند. باشد که خواندن این تجربه‌ها سبب آشنایی بیشتر افراد بینا با چالش‌هایی شود که افراد نابینا زمان خرید کردن با آنها مواجه هستند.

پروانه و همسرش، هر دو، نابینا هستند. فرزندانشان بینا هستند، بزرگ شده‌اند و هر دو با افراد بینا ازدواج کرده‌اند.

پروانه سوپرمارکت را یکی از مهم‌ترین مراکز خرید روزانه می‌داند؛ بنابراین هر بار که محل زندگی او و همسرش تغییر می‌کند، سعی می‌کنند سوپرمارکت آنجا را شناسایی کنند. او در همان ابتدا از فروشنده می‌پرسد که آیا امکان تحویل سفارش در منزل هم دارند یا نه... بعضی از آنها این امکان را دارند بعضی هم نه. برخورد خوب پروانه و همسرش با فروشنده‌ها در بیشتر موارد سبب شده است تا فروشنده تلاش کند با آنها همکاری لازم را داشته باشد؛ به‌طور مثال اگر پیک

سؤال‌هایی از فروشنده بپرسد؛ بنابراین قادر است این اقلام را به‌تنهایی بخرد.

از او می‌خواهم بگویم که چطور خدمات یک آرایشگاه را رد یا تأیید می‌کند. او توضیح می‌دهد که نتیجه بصری کار یک آرایشگر را از طریق بازخوردهایی که از اطرافیان می‌گیرد، بررسی می‌کند، البته در این زمینه هم ویژگی‌های شخصیتی و سلیقه افرادی را که بازخورد می‌دهند در نظر می‌گیرد.

یکی از زمان‌هایی که فرد نابینا احساس می‌کند کمی به دردمس افتاده، آن وقتی است که بعد از خرید چند کالا متوجه می‌شود که شکل بعضی بسته‌ها هیچ فرقی با یکدیگر ندارند. می‌دانیم که استفاده از نرم‌افزارهای موبایل می‌تواند کمک‌کننده باشد، اما گاهی پیش می‌آید موبایل یا حتی اینترنت در دسترس نیست. سهیلا برای چنین مواردی از راهکاری ویژه استفاده می‌کند. او پیش از خروج، کالاها را لمس می‌کند و اگر ابهامی داشته باشد، حتماً از فروشنده می‌پرسد. یک‌بار زمان خرید متوجه شد که دو تا از کالاها در دو ظرف شیشه‌ای مشابه قرار دارند. یکی از ظرف‌ها حاوی رب آلوچه و ظرف دیگر حاوی رب انار بود. او هرچه دقت کرد، تفاوتی بین دو ظرف پیدا نکرد. این بود که از فروشنده خواست تا قطعه‌ای چسب نواری روی یکی از ظرف‌ها بچسباند و همچنین به او بگوید که چسب را روی ظرف رب انار چسبانده است یا ظرف رب آلوچه؛ به این ترتیب او می‌توانست بعد از رسیدن به خانه نام هر محصول را به خط بریل بنویسد و روی ظرف مورد نظر بچسباند.

در مسیر پر فراز و نشیب زندگی این قدرت تدبیر است که مسائل را حل می‌کند، موانع را از سر راه برمی‌دارد و امکان پذیرش شرایط موجود را افزایش می‌دهد. امید است پیام‌های دوستان ما در این بخش از ستون زندگی برای شما مخاطب گرامی پرسود و ثمربخش بوده باشد.

## روزهایتان پر از شوق زندگی

ارتفاع بالاتری یا در ویتترین و پشت شیشه آویزان شده‌اند. این است که پروانه حضور یک همراه را برای خریدهایی که فوریتی ندارند، ضروری می‌داند. به نظر پروانه سلیقه دیگران در چنین خریدهایی، خواه‌ناخواه، در انتخاب افراد نابینا دخیل است.

او در جایی از صحبت‌هایش نابینایان را به خونسردی دعوت می‌کند. آن زمان که فروشنده از فرد نابینا می‌خواهد به چیزی دست نزنند، بهتر است او با آرامش بگوید که تنها راهی که می‌تواند کالای مورد نظر را بشناسد این است که آن را از نزدیک لمس کند و در نهایت هر یک از دو پاسخ احتمالی را بپذیرد؛ یا بماند و ضمن تشکر با دقت کالا را لمس کند یا اینکه با احترام به خواسته فروشنده مغازه را ترک کند.

هنگامی که در گذشته او به همراه فرزند خردسالش به فروشگاه می‌رفت، فروشنده‌ها به نقش مادرانه او احترام می‌گذاشتند و ضمن ارتباط با کودک، به خواسته‌های پروانه هم با دقت بیشتری توجه می‌کردند.

در این گفتگو، او تجربه یکی از دوستانش را هم بیان می‌کند؛ اینکه هر بار وارد فروشگاه بزرگ محله‌شان می‌شود، یکی از کارکنان آنجا به سمتش می‌آید و ضمن خوشامدگویی او را تا پایان خریدهایش راهنمایی می‌کند. پروانه کم‌صبری جوان‌ترها را درک می‌کند و امیدوار است وجود راهنمای انسانی فروشگاه‌های سراسر کشور به فعالیتی فراگیر تبدیل شود.

سهیلا مهمان دیگر این بخش است. از دوران نوجوانی او را می‌شناسم. او در هوش و اخلاق و متانت شهرتی مثال‌زدنی داشت. همسر و فرزندش هم نابینا هستند و آنها در سایه تدبیر زندگی را به بهترین شیوه پیش می‌برند. او ساختار لوازم برقی و همچنین استانداردهای موجود را خوب می‌شناسد؛ مانند همان دوران نوجوانی‌اش. سهیلا برای خرید لوازم برقی خانه یا شخصی می‌داند که باید به چه نکاتی توجه کند و چه

## ده فناوری برتر برای نابینایان و کم‌بینایان در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴

گردآوری و ترجمه: میثم امینی



نمایشگاه لوازم الکترونیکی مصرفی که به «سی‌ای‌اس» معروف و بزرگ‌ترین نمایشگاه لوازم الکترونیکی مصرفی در جهان است از ۹ ژانویه تا ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴ در شهر لاس‌وگاس برگزار شد. در این رویداد جدیدترین نوآوری‌ها و روندها در زمینه‌های مختلفی مثل سلامت دیجیتال، فناوری‌های پوشیدنی، دسترس‌پذیری و... به نمایش گذاشته شد. از بین هزاران محصول و راه‌حلی که در این نمایشگاه به نمایش درآمده بود، بعضی از آنها به‌طور خاصی برای کمک به نابینایان، کم‌بینایان و سایر معلولان به‌منظور بهبود زندگی و غلبه بر چالش‌های موجود طراحی شده بودند.

در این شماره از مجله نسل مانا، در ستون فناوری، ده فناوری برتر ارائه‌شده برای افراد نابینا و کم‌بینا در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴ را به‌طور خلاصه بررسی می‌کنیم. دلایل انتخاب این ده فناوری عبارت‌اند از: محبوبیت، علاقه‌مندی در سطح اینترنت و جوایزی که دریافت کرده یا برای دریافت آنها نامزد شده‌اند.

**۱۰. گلاید:** گلاید یک ابزار کمک‌حرکتی است که از یک فناوری ثبت اختراع شده به نام «گلایدگور» برای تولید میدان مغناطیسی در اطراف بدن کاربر استفاده

می‌کند. میدان مغناطیسی با کنار زدن اشیایی مثل صندلی و میز که در پیش پای کاربر قرار دارند، به کاربر در حرکت کمک می‌کند. این دستگاه همچنین حسگرهایی دارد که موانع را تشخیص و سرعت کاربر را به تناسب تغییر می‌دهند. گلاید برای کمک به نابینایان و سایر افراد دارای مشکل در حرکت طراحی شده است تا در راه رفتن مطمئن‌تر و مستقل‌تر به آنها کمک کند.

**۹. گاید‌آی:** گاید‌آی یک کمر بند هوشمند قدرت‌گرفته از هوش مصنوعی است که نابینایان را با استفاده از دوربین‌های دوگانه زاویه‌باز، یک ماژول هوش مصنوعی اج‌۱ سفارشی‌سازی و یکپارچه‌شده با حسگر، یک سامانه پیمایش لرزشی و فرمان‌های گفتاری هدایت می‌کند. دستگاه با یک برنامه مخصوص تلفن‌های هوشمند کار می‌کند که پشتیبانی از فرمان‌های گفتاری و به‌روزرسانی را برای دستگاه فراهم می‌کند. گایدی برای کمک به افراد نابینا در حرکت امن و راحت به هر مقصدی، چه در داخل و چه خارج از ساختمان طراحی شده است.

**۸. ویکشن ۰۱:** ویکشن ۰۱ یک عینک سبک‌وزن دارای یک حسگر است که فاصله کاربر را با آنچه روی آن تمرکز کرده است اندازه می‌گیرد و سپس لنزها را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند تا کاربر بتواند آن را راحت‌تر ببیند. این عینک برای افرادی طراحی شده است که به بهبود بینایی نیاز دارند، مثلاً افرادی که پیرچشمی یا آستیگماتیسم دارند.

**۷. لایته‌اوس تک ال‌تی‌اچ ۰۱:** لایته‌اوس تک ال‌تی‌اچ ۰۱ عینکی است که از حسگرهای اولتراسوند و نوری برای تشخیص اشیاء استفاده می‌کند و از طریق لرزش روی شقیقه‌ها در مورد وجود این اشیاء به کاربر هشدار می‌دهد. این عینک در برابر آب و ضربه مقاوم است و در سبک‌های مختلف ارائه می‌شود.



لمس دنبال کنند. این دستگاه از چهل موتور لرزشی برای شبیه‌سازی حرکات بازیکنان و توپ تقریباً به‌صورت هم‌زمان با پخش بازی استفاده می‌کند.

**۲. ای‌سایت‌گو:** ای‌سایت‌گو سامانهٔ عینک مبتنی بر دوربین است که محیط را ضبط می‌کند. سپس تصویر ضبط‌شده را با استفاده از برنامه بهبود می‌دهد و آن را در نمایشگرهای اولدی که جلوی هر چشم قرار می‌گیرند نمایش می‌دهد. این سامانه برای افرادی که بیماری‌های چشمی مختلفی مثل تباهی لکه زرد، رتینوپاتی دیابتی یا بیماری اشتراگارت دارند طراحی شده است.

**۱. عینک دات‌لومن:** عینک دات‌لومن یک هدست است که از حسگرهای لیدار و بازخورد لرزشی برای هدایت کاربر نابینا به یک محل استفاده می‌کند. این هدست با یک برنامهٔ مخصوص تلفن‌های هوشمند کار می‌کند که به کاربر اجازه می‌دهد مقصدی را مشخص کند و برای آن مقصد راهنمایی جهت به جهت را از طریق لرزش روی شقیقه‌ها دریافت کند. حسگرهای دستگاه همچنین موانع را تشخیص می‌دهند و با الگوهای متفاوت لرزش به کاربر نسبت به این موانع هشدار می‌دهند. این هدست به‌عنوان یک جایگزین دیجیتال برای عصای سفید و سگ راهنما طراحی شده است.

بسیاری از این محصولات جذاب که از سراسر جهان، از ایالات متحده و کانادا گرفته تا کرهٔ جنوبی، فرانسه و آلمان ارائه شده بودند، در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴ در دسته‌های مختلف جایزه دریافت کردند یا برای دریافت جایزه نامزد شدند. هرچند قیمت هیچ‌کدام از این محصولات هنوز مشخص نیست، اما انتظار می‌رود که همهٔ آنها در سال ۲۰۲۴ به بازار عرضه شوند و اگرچه دست ما نابینایان و کم‌بینایان ایرانی معمولاً از چنین محصولاتی کوتاه است، ولی به‌رحال می‌توان آن را خبری خوش به حساب آورد.

**۶. او‌اورایونک:** او‌اورایون یک برنامه برای تلفن‌های هوشمند است که به کاربر اجازه می‌دهد اشیاء و متون را در محیط خود با استفاده از واقعیت افزوده پیدا کند. این برنامه از دوربین و جی‌پی‌اس گوشی برای لایه‌گذاری اطلاعات روی میدان دید کاربر استفاده می‌کند. این کار به کاربر نابینا کمک می‌کند امن و مستقل حرکت کند.

**۵. هیرسی موبیلیتی:** هیرسی موبیلیتی یک عصای سفید هوشمند است که با برچسب‌های آراف‌آی‌دی تعبیه‌شده در امتداد راهروها ارتباط برقرار می‌کند و برای رفتن به مکان‌های مختلف داخل ساختمان به کاربران نابینا راهنمایی صوتی جهت به جهت می‌دهد. همچنین فضای اطراف را برای آنها توصیف می‌کند. این عصا با یک برنامهٔ مخصوص تلفن‌های هوشمند کار می‌کند که به کاربران اجازه می‌دهد محیط‌های داخلی مثل مدرسه‌ها و فروشگاه‌ها را به‌صورت مستقل کاوش کنند.

**۴. فینتین وی ۱:** فینتین وی ۱ یک صفحه‌کلید بلوتوثی کیوبدلیوای‌آرتی‌وای برای تلفن‌های هوشمند برای افراد نابینا و کم‌بینا است که شرکت کره‌ای وانکام آن را توسعه داده است. این صفحه‌کلید از فناوری مینی کیوبدلیوای‌آرتی‌وای ساختاریافته استفاده می‌کند که ۳۶ کلید را به شش کلید تبدیل می‌کند. این فناوری به کاربر اجازه می‌دهد بدون نگاه کردن به کلیدها روی یک صفحه‌کلید کوچک که در یک دست جا می‌شود تایپ کند. این صفحه‌کلید همچنین کلیدهای اختصاصی را برای صفحه‌خوان‌هایی مثل وویس‌اُور برای آی‌اواس و تاک‌بک برای اندروید به‌همراه بازخورد لرزشی دارد که کاربران نابینا و کم‌بینا را قادر می‌سازد بدون نیاز به کار با صفحهٔ لمسی، به گسترهٔ کاملی از امکانات تلفن هوشمند خود دسترسی داشته باشند.

**۳. هپتیک مینی - فیلد:** هپتیک مینی - فیلد یک زمین بازی مینیاتوری به اندازهٔ یک لپ‌تاپ است که به ورزش‌دوستان نابینا اجازه می‌دهد بیشتر بازی‌های میدانی مثل فوتبال، بسکتبال، بیس‌بال و هاکی را با

شود و کمک‌هزینه‌ای برای حمایت از آنها در نظر گرفته شود. همچنین هزینه زندگی افراد با آسیب بینایی نسبت به متوسط جامعه بیشتر است. آنان برای بهره‌مندی از یک زندگی معمولی به وسایل توان‌بخشی، تجهیزات ویژه، شیوه‌های حمل و نقل خاص و دیگر ابزارهای رفاهی نیازمندند؛ بنابراین به‌منظور جبران این هزینه‌ها لازم است حمایت‌هایی در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی در نظر گرفته شود. این حمایت‌ها حتی در صورت اشتغال فرد نیز می‌بایست انجام شود تا هزینه‌های مازاد زندگی این قشر را جبران کند.

## در نقد موافقان

گروهی علی‌رغم پذیرش تبعیض‌هایی که در خصوص افراد با آسیب بینایی در جامعه وجود دارد، دلایل موافقان را به چالش می‌کشند. آنان معتقدند که هرچند پرداخت کمک‌هزینه می‌تواند به‌صورت موقت بخشی از مشکلات معیشتی افراد با آسیب بینایی را برطرف کند، نمی‌تواند در بلندمدت به ایجاد فرصت‌های برابر منجر شود. ایجاد شرایط اشتغال نیازمند توسعه زیرساخت‌ها است که پرداخت کمک‌هزینه کمکی به آن نمی‌کند.

علاوه بر آن برای کاهش هزینه‌های زندگی افراد با آسیب بینایی می‌توان تدابیر دیگری اندیشید، مثلاً دسترسی‌پذیر کردن وسایل حمل و نقل ارزان می‌تواند این گروه را تا اندازه زیادی از اتکا به تاکسی و حمل و نقل گران‌قیمت بی‌نیاز کند، پس ایجاد زیرساخت می‌تواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد. وسایل توان‌بخشی را نیز می‌توان خرید و پس از نیازسنجی دقیق به دست مخاطبان رساند؛ بنابراین پرداخت پول نقد برای این موضوع نیز لازم نیست.

## کمک‌هزینه: عاملی برای از بین رفتن انگیزه

### اشتغال

برخی پرداخت کمک‌هزینه به افراد با آسیب بینایی را بازگشت به عقب و اعمال سیاست‌های شبه‌خیریه می‌دانند. آنان معتقدند حمایت‌های نقدی موجب می‌شود

## پرداخت مستمری به افراد با آسیب

### بینایی، آری یا نه

## امین عرب: آموزگار دانش‌آموزان با نیازهای ویژه فارس

یکی از مهم‌ترین مشکلات زندگی افراد با آسیب بینایی، مسائل معیشتی و دسترسی به منابع مالی است. محدودیت‌های ناشی از آسیب بینایی و موانع فراوانی که به‌صورت فیزیکی یا اجتماعی بر سر راه اشتغال این قشر وجود دارد، مانع از آن است که آنان بتوانند نیازهای اقتصادی خود را برطرف کنند. نرخ بیکاری در تمامی کشورهای دنیا در جمعیت با آسیب بینایی نسبت به عموم جامعه بالاتر است و همین موضوع سبب شده است که سیاست‌های حمایتی متفاوتی برای بهبود این شرایط در پیش گرفته شود. برخی معتقدند پرداخت کمک‌هزینه از منبع درآمدهای دولتی می‌تواند راهی برای جبران فرصت‌های نابرابر اشتغال افراد دارای معلولیت، از جمله آسیب‌دیدگان بینایی باشد. گروهی دیگر با پرداخت هرگونه کمک‌هزینه مخالف‌اند و باور دارند که بهتر است این مبلغ را صرف ایجاد شرایط برای اشتغال این قشر کرد. هدف ما در این جستار این است که ابعاد مثبت و منفی هریک از راهکارهای حمایتی ذکر شده را بررسی و ابعاد گوناگون آن را روشن‌تر کنیم.

## پرداخت کمک‌هزینه: گونه‌ای از تبعیض مثبت

حامیان پرداخت کمک‌هزینه معتقدند که تبعیض‌های موجود در جامعه موجب می‌شود افراد با آسیب بینایی نتوانند حضور مؤثری در جامعه داشته باشند، چون امکان تحصیل آنها در بسیاری از زمینه‌ها فراهم نیست، دسترسی‌پذیری لازم در محیط‌های کاری برای آنان وجود ندارد و بسیاری از کارفرمایان حاضر به استخدام کارمند با این ویژگی نیستند؛ در نتیجه شانس اشتغال برای این گروه از متوسط جامعه کمتر است. به‌منظور دسترسی افراد با آسیب بینایی به حداقل رفاه اجتماعی، لازم است این تبعیض مثبت در خصوص آنان اعمال

# نسل‌مانا

همچنین انجام طرح‌های زیرساختی زمان‌بر است و حذف کمک‌هزینه می‌تواند به از بین رفتن کسانی زیر چرخ‌دنده‌های اقتصاد منجر شود. برخی از افراد با آسیب بینایی، حتی در صورت بهبود زیرساخت‌ها قادر به فعالیت شغلی نیستند، زیرا محدودیت‌های آنان با شرایط دیگری مثل معلولیت مضاعف تشدید شده است؛ بنابراین طرح‌های زیرساختی می‌بایست در کنار پرداخت کمک‌هزینه پیش بروند. شرایط روان‌شناختی افراد نیز در صورت عدم دسترسی به حداقل نیازهایشان، بیشتر ممکن است تهدید شود تا با پرداخت کمک‌هزینه.

## در ایران کدام سیاست اجرا می‌شود؟

بنا بر قانون حمایت از حقوق معلولان، میزان مستمری پرداختی به افراد دارای معلولیت می‌بایست به میزان حداقل دستمزد سالانه باشد. همچنین ایجاد بستر اشتغال در مواد مختلفی از این قانون مورد توجه بوده است. وضعیت کنونی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این دو رویکرد به‌درستی در ایران اجرا نمی‌شود. مبلغ مستمری از آنچه در قانون آمده بسیار کمتر است و بیشتر سیاست‌های منجر به ایجاد زیرساخت اشتغال به‌درستی اجرا نمی‌شود؛ بنابراین شاید شرایط ایران برای بررسی کارایی این دو سیاست مناسب نباشد. به‌منظور بررسی این دو دیدگاه می‌توان سیاست دولت‌های رفاه اجتماعی را با دولت‌های سرمایه‌داری مقایسه کرد.

## کدام سیاست کارآمدتر است؟

ریشه‌چالش طرح شده در تاریخ اقتصاد سر دراز دارد. بررسی دیدگاه‌های راست و چپ در اقتصاد به‌روشنی این تفاوت را نشان می‌دهد. حال پرسش اینجا است که با توجه به اجرای این دو سیاست در کشورهای مختلف، کدام‌یک موفق‌تر بوده‌اند؟ آیا می‌توان پژوهش نظام‌مندی برای بررسی دقیق‌تر ابعاد این موضوع انجام داد؟ اگر امکان بهبود شرایط حمایتی در ایران فراهم شود، کدام‌یک می‌تواند مفیدتر باشد؟ آیا ترکیبی از هر دو دیدگاه می‌تواند به کار گرفته شود؟

افراد انگیزه خود را برای اشتغال از دست بدهند و به دریافتی حداقلی قانع باشند که این شیوه از پیشرفت



آنها جلوگیری می‌کند. در این صورت این قشر که نیاز بسیاری به داشتن شغل احساس نمی‌کنند، تلاشی برای ایجاد زیرساخت‌های اشتغال نخواهند کرد. از بین رفتن مطالبات موجب می‌شود که دولت‌ها نیز ایجاد بستر اشتغال را در اولویت قرار ندهند و در نتیجه تلاشی برای از بین بردن تبعیض‌ها به آن میزان که شایسته است صورت نگیرد. مقایسه کشورهای حوزه اسکاندیناوی به‌عنوان پرداخت‌کنندگان کمک‌هزینه با کشورهای کاپیتالیستی مثل ایالات متحده بیانگر این موضوع است.

در ضمن آنان صرف هزینه برای ایجاد زیرساخت‌های اشتغال را راه مناسب‌تری می‌دانند. به باور این گروه، کشورهایی که پرداخت کمک‌هزینه را در دستور کار خود دارند، ماهانه مبلغ گزافی را به‌صورت نقدی به جیب افراد سرازیر می‌کنند، حال آنکه می‌توان با این مبلغ گام‌های مهمی برای ایجاد بستر اشتغال برای افراد با آسیب بینایی برداشت؛ برای مثال برنامه‌های مهارت‌آموزی و آگاهی کارفرمایان را نسبت به ظرفیت‌های افراد با آسیب بینایی در فضای کار اجرا کرد. شرایط روان‌شناختی را نیز نباید نادیده گرفت. پرداخت کمک‌هزینه می‌تواند نوعی از احساس وابستگی را به افراد القا کند و به ایجاد باورهای غلطی چون من کاملاً ناتوانم منجر شود.

## در نقد مخالفان

از سوی دیگر برخی دلایل مخالفان را زیر سؤال می‌برند. آنان معتقدند که کمک‌هزینه اگر به میزان مناسب و با وجود ساز و کار درست پرداخت شود، انگیزه کار را آن‌چنان از بین نمی‌برد. اگر مبلغ کمک‌هزینه در حدود حداقل دستمزد یا کمتر باشد، افراد برای دستیابی به شغل و در نتیجه درآمد بالاتر تلاش می‌کنند.

## مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا

### مترجم: مریم مشایخی

بهینه‌سازی موتور جستجو، تبلیغات در گوگل و رسانه‌های اجتماعی رو انجام می‌دادم. حدود دو سال پیش بود که در یک گفتگو بحث دسترس‌پذیری دیجیتال مطرح شد و من باینکه با معلولیت بزرگ شده بودم و پنج سال هم در کالج درس خونده بودم، در نهایت شگفتی هیچ چیز راجع به این موضوع نشنیده بودم. خب! من به جای شرمندگی و دور شدن از این مبحث به سراغش رفتم و حدود یک سال و نیم در موردش تحقیق کردم، راهنمایی گرفتم و قبل از تصمیم به تغییر شغل، کارهایی از این دست انجام دادم؛ چون می‌خواستیم در انجام یه کار جدید، بهترین نسخه خودم باشیم، نه اینکه صرفاً به‌عنوان یک مبتدی کار جدیدی رو شروع کنم و کم‌کم رشد کنم.

- خب جیمز! تو یه کم از راهنمایی و آموزشایی که گرفتی حرف زدی. آیا این آموزشا روند عادی‌ای هست که برای ورود به این شغل باید طی بشه یا تو راه خودت رو رفتی؟ به‌طور کلی چه آموزشایی برای این شغل وجود داره؟

- قطعاً من راه خودم رو رفتم، البته با راهنمایی برخی اساتید. در کل فکر نمی‌کنم راه مستقیم و مشخصی برای ورود به حوزه دسترس‌پذیری دیجیتال وجود داشته باشه. این حوزه، تقریباً حوزه نامحدوده، درست مثل استانداردها و دستورالعمل‌هاش. خب! قطعاً شما می‌تونید گاهی آموزشا و حتی دوره‌های آموزشی هم در این زمینه پیدا کنید، اما همه اینا به‌نوعی تونلی به سمت انجمن بین‌المللی متخصصان دسترس‌پذیری هستن؛ همون سازمانی که آزمونای پروانه دسترس‌پذیری رو برگزار می‌کنن و در نهایت گواهی رو به افراد واجد شرایط که آزمون رو با موفقیت بگذرونن اعطا می‌کنن.

- معمولاً ما فکر می‌کنیم برای حوزه‌هایی مثل توسعه وبگاه‌ها یا فناوری اطلاعات کلاسای آموزشی مشخصی‌ست که افراد رو تا حدی با این حوزه‌ها آشنا

سم: سلام رفقا! مثل همیشه به برنامه ما خوش اومدید. امروز هم یه مهمون خیلی فوق‌العاده داریم. دوست من، جیمز، قراره برامون راجع به شغلش صحبت کنه. خب جیمز! لطفاً خودت رو معرفی کن و قبل از هر چیز از مشکل بینابیت برامون بگو.



جیمز: ممنون که من رو دعوت کردید. اسم من جیمز ورنکن هست و در شمال شرق اوهایو زندگی می‌کنم. بیماری چشمی من یه بیماری پیش‌رونده‌ست به نام «دیستروپی شبکیه»<sup>۱</sup> که پانزده‌شانزده سالیه من رو درگیر خودش کرده و اگه بخوام خیلی ساده توصیفش کنم، مثل این می‌مونه که هم‌زمان هم دوربین باشی هم نزدیک‌بین. دید نزدیکم خیلی کاربردی نیست و در فاصله بیشتر از یک و نیم متر هم دیدم تاری می‌شه و جزئیات و رنگا رو تشخیص نمی‌دم.

- چند دقیقه پیش به من گفتی که میزان بینابیت رو نمی‌دونی. فکر می‌کنم این سؤال به ما کمک کنه، وقتی با کامپیوتر کار می‌کنی میزان درشت‌نمایی که ازش استفاده می‌کنی چقدره؟

- معمولاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد، اما فاصله‌م با مانیتور فقط ده سانتی‌متره. هم به مانیتور نزدیک می‌شم هم شدت درشت‌نمایی رو بالا می‌برم.

- چقدر این کار برای من آشناست. خب جیمز! زندگی‌ت رو چطور می‌گذرونی؟

- در اصل در دنیای استراتژی بازاریابی تجاری مشغولم، اما به‌تازگی به دنیای دسترس‌پذیری دیجیتال وارد شدم. چون مدرکم در زمینه بازاریابی تجاری بود، این کار رو شروع کردم. در این فضا کارهایی مثل طراحی وبگاه،

<sup>1</sup> Generic retinal dystrophy

و چه سخت‌افزار، که شما باهانش راحتید، می‌شه استفاده کرد؛ درواقع شرکتایی هستن که برای تست نرم‌افزار، متنا و وبگاه‌هاشون دنبال افرادی می‌گردن که ازشون کمک بگیرن؛ بنابراین شما با هر ابزاری که راحتید، می‌تونید فرصتای شغلی متناسب با اون ابزار مورد نظرتون رو پیدا کنید و با هر ابزاری که باهانش راحتید کار کنید، مثلاً من با متنای درشت‌خط، مرورگرای دسکتاپ، افزایش اندازه متن و استفاده از تضاد رنگا در موبایل و صفحه‌خوان ان‌وی‌دی‌ای استفاده می‌کنم و وقتی قراره دسترس‌پذیری وبگاهی رو تست کنم، حوزه کار من می‌شه همون ابزارایی که کار باهانشون برام راحت، مثلاً متناسب بودن تضاد رنگا در یک وبگاه رو تست می‌کنم. خیلی از این موارد هست که شما می‌تونید انتخاب کنید و در اونا مهارت پیدا کنید. حوزه دسترس‌پذیری با در نظر گرفتن انواع معلولیتا اون‌قدر گسترده‌ست که شما باید مبحث مورد علاقه خودتون رو پیدا و در اون مهارت پیدا کنید.

- قبل از این شغلا شغلائی دیگه‌ای هم تجربه کردی؟

- بله! در سال اول کالج فقط شش هفته توی یه رستوران کار می‌کردم. به نظرم اونا متوجه مشکل بینایی من نشدن و من رو برای انجام همه کارها بیرون می‌فرستادن و این خیلی برای من استرس‌زا و خسته‌کننده بود. بعد از اون یه تولیدی کوچیک تی‌شرت و هودی راه انداختم. بعد همه چی دومینوار پیش رفت و توجه‌ها به سمت کار من جلب شد. مردم می‌پرسیدن چطور می‌تونی تو فضای مجازی این‌قدر دنبال‌کننده داشته باشی. پس شروع کردم به کارهایی مثل مشاوره در زمینه بازاریابی. درنهایت با شرکتا و سازمانای زیادی در این حوزه کار کردم و از هر فرصتی برای کار کردن تو این حوزه استفاده کردم و درنهایت به این شغل رسیدم.

- چقدر عالی جیمز! خیلی ممنونم از اینکه قصه خودت رو با ما به اشتراک گذاشتی.

می‌کنه. ولی درکل به نظر می‌رسه مفهوم دسترس‌پذیری روزبه‌روز مرسوم‌تر می‌شه.

- یه جوک بین همکاران من هست و اونم اینه که برای هر مدرک چهارساله شاید به‌زحمت یه دوره آموزشی راجع به دسترس‌پذیری پیدا بشه. در مورد درستی یا نادرستی این نکته نظری ندارم، ولی من واقعاً می‌بینم که به‌مرور زمان از واژه دسترس‌پذیری در نرم‌افزارها و وبگاه‌ها خیلی بیشتر از قبل استفاده می‌شه. خیلی می‌شنوم که می‌گن نرم‌افزار ما برای افراد معلول دسترس‌پذیر شده و نه صرفاً برای افراد عادی؛ بنابراین خط خاکستری بین دسترس‌پذیری و قابل استفاده بودن، روزبه‌روز خاکستری‌تر می‌شه و به نظر من این لزوماً چیز بدی نیست.

- اگه کسی بخواد این مسیر رو دنبال کنه، به نظر تو به چه آموزشها و تخصصایی نیاز داره؟

- راستش من با جستجو در گوگل شروع کردم و اولین چیزی که جستجو کردم راهنمای دسترس‌پذیری محتوای شبکه بود که ورژن فعلیش ۱ و ۲ هست. خوندن محتوای این راهنما درک عمیق‌تری راجع به این حوزه به ما می‌ده. بعد از اون می‌تونید مطالبی رو جستجو کنید که کنجکاوی شما رو قلقلک می‌ده. واقعیت اینه که دنیای دسترس‌پذیری بسیار گسترده‌ست، مثلاً شما می‌تونید بر بحث دسترس‌پذیری چندرسانه‌ای، دسترس‌پذیری وبگاه‌ها، نرم‌افزارهای تلفن همراه، پرونده‌ها یا مدیریت پروژه تمرکز کنید، البته از راهنمای کاربردی اونا هم استفاده کنید.

- خب! بریم سراغ ابزارا. برای این شغل از چه ابزارایی استفاده می‌کنی؟ نرم‌افزار، سخت‌افزار، زمان، وسیله حمل و نقل، به‌طورکلی به چه ابزارایی نیاز داری؟

- زیبایی فضای دسترس‌پذیری دیجیتال، به‌خصوص وقتی در حوزه تست نرم‌افزارا و وبگاه‌ها و متنا کار می‌کنی، اینه که از هر ابزار دسترس‌پذیری، چه نرم‌افزار

## معلولان و مالیات

### نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان

در هشتمین شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران، در گفتگو با آقای دکتر باقر قلی، فارغ‌التحصیل مقطع دکتری حقوق خصوصی و رئیس گروه حسابرسی اداره مالیاتی، با موضوع معلولان و مالیات، همراه شما هستیم.



مهمان این شماره در مقدمه، مالیات را مخارج و هزینه‌هایی می‌داند که افراد جامعه بر اساس قانون برای اعمال حاکمیت دولت‌ها و اداره کشور پرداخت می‌کنند و قدمت پرداخت آن به تاریخ ایجاد حکومت‌ها برمی‌گردد.

او اضافه می‌کند: حکومت‌ها برای فراهم کردن بهداشت، امنیت، آموزش و... بر اساس قانون این وجوه را دریافت می‌کنند و مهم‌ترین ابزار توزیع ثروت و عدالت در جامعه است. برخلاف باور عمومی در سال‌های اخیر وصول مالیات از اقشار مختلف جامعه بیشتر نشده، بلکه به سمت عدالت و شفافیت حرکت کرده است.

او در خصوص مشمولین پرداخت مالیات می‌گوید: بر اساس ماده ۱ قانون مالیات‌های مستقیم، هر ایرانی که در داخل یا خارج از ایران درآمد کسب کند یا اموال و دارایی داشته باشد، مشمول پرداخت مالیات است. ماده ۲ قانون هم گروه‌هایی را از پرداخت مالیات معاف می‌کند که غالباً وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های دولتی هستند، البته به‌طور استثنایی گروه‌های دیگری هم از

پرداخت مالیات معاف شده‌اند، مثلاً کشاورزان که البته نقدهایی هم در خصوص معافیت کلی این گروه وجود دارد، چون حتی کشاورزی‌های صنعتی بزرگ با درآمدهای بسیار بالا از این معافیت استفاده می‌کنند.

این کارشناس امور مالیاتی، در ادامه مالیات را در یک تقسیم‌بندی بزرگ به دو گروه مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم تقسیم می‌کند. او می‌گوید: مالیات مستقیم مالیاتی است که بدون واسطه و مستقیم بر اساس درآمد افراد بر اساس قانون از آنها اخذ می‌شود؛ مالیاتی که افراد معمولاً دارای پرونده‌های مالیاتی و کد اقتصادی و از نظر سازمان امور مالیاتی شناخته شده هستند. در مالیات غیرمستقیم مالیات‌دهندگان مشخص نیستند، مثلاً خریدی که فرد از یک رستوران انجام می‌دهد و ارزش افزوده‌ای می‌پردازد. مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر مصرف و ارائه خدمت است. پرداخت‌کنندگان مالیات غیرمستقیم در سازمان امور مالیاتی پرونده مالیاتی ندارند.

او اضافه می‌کند: مالیات مستقیم به دو گروه تقسیم می‌شود؛ مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی. مالیات بر درآمد مثل مالیات بر درآمد املاک و مالیات بر مشاغل و حقوق و مالیات بر دارایی که به آن «مالیات بر ثروت» هم گفته می‌شود، مثل مالیات بر ارث و مالیات بر حق تمبری که بر جوازها و... الصاق می‌شود.

مهمان این شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران، ادامه می‌دهد: افرادی که به اداره امور مالیاتی وارد می‌شوند با گروه حساب‌برسان سروکار دارند که در دو دسته خدمات مؤدیان و گروه رسیدگی هستند. عمده کار مؤدیان با گروه خدمات مؤدیان و وصول مالیات است. این گروه پرونده مالیاتی را تشکیل می‌دهند و اوراق مالیاتی را یا به‌صورت حضوری به در خانه‌های مؤدیان یا از طریق ارسال پیامک ابلاغ می‌کنند. سامانه **my tax** هم ویژه مؤدیان و امور مالیاتی است که در همان پیامک، لینک آن در دسترس مؤدیان برای دسترسی آنها به کارپوشه خود و دیدن اوراق مالیاتی قرار می‌گیرد.

مهمان این شماره در پایان به مشمولان پرداخت مالیات توصیه می‌کند: مهم‌ترین وظیفه مؤدیان، دارندگان دستگاه کارت‌خوان با تراکنش‌های بالا و کسانی که در اداره مالیات پرونده مالیاتی دارند، این است که بسته به نوع مشاغل در خرداد یا تیرماه هر سال نسبت به تکمیل و ارائه اظهارنامه مالیاتی اقدام کنند. انجام ندادن تکلیف آنها را با جرائم غیرقابل بخشش مواجه می‌کند و نمی‌توانند از معافیت‌های مقرر قانونی، از جمله ماده ۱۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم یا بخشودگی جرائم استفاده کنند. سامانه ۱۵۲۶ در سراسر کشور برای پاسخ به پرسش‌های مالیاتی و رفع ابهامات، در دسترس قرار دارد. علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به معلولان و مالیات، می‌توانند مشروح این گفتگو را در یادگست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل مانا قابل دریافت است دنبال کنند.



بهار است و لب جوی و دل آرام

بیاساتی بیاور باده و جام

بوشان باده ناب جگر سوز

که دلگرم از این آلوده ایام

او اضافه می‌کند: مهم‌ترین برگه‌ای که در ابتدا به مؤدیان ابلاغ می‌شود، برگ تشخیص مالیاتی است. مؤدیان نباید مهلت‌های مقرر در این برگه را که در زمینه پرداخت یا تخفیف یا اعتراض به مالیات وجود دارد، از دست بدهند. با از بین رفتن این مهلت‌ها، برگ تشخیص قطعی می‌شود و مؤدی با اقدامات اجرایی اداره مالیاتی از جمله: پلمپ مرکز، ممنوع‌الخروجی، توقیف حساب بانکی و... مواجه می‌شود.

این حقوق‌دان مهم‌ترین قوانین حاکم بر مالیات را، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون ارزش افزوده و قانون پایانه فروشگاهی و سامانه مؤدیان معرفی می‌کند. او در پاسخ به سؤال وجود یا عدم وجود معافیت مالیاتی برای افراد دارای معلولیت توضیح می‌دهد: در قانون، معافیت ویژه‌ای در پرداخت مالیات برای معلولان، حتی با ارائه معرفی‌نامه از بهزیستی، نه در زمینه مشاغل نه در زمینه حقوق وجود ندارد و این یک خلأ قانونی است که باید به‌منظور جبران هزینه‌های ناشی از نابرابری فرصت‌ها، مورد مطالبه تشکل‌ها و فعالان حوزه حقوق معلولان قرار گیرد، البته قبل از اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۹۴ در خصوص مالیات بر ارث، معلولان معافیت‌هایی داشتند، ولی این معافیت در اصلاح قانونی اخیر حذف شد. در پیش‌نویس قانون حمایت از معلولان، بسته به شدت معلولیت، در زمینه مالیات بر حقوق، معافیت‌هایی در نظر گرفته شده بود، ولی این معافیت‌ها به متن قانون راه نیافت و در قانون حمایت از معلولان سال ۱۳۹۶، تنها سرپرستان فرد معلول از معافیت ۵۰ درصدی حقوق و دستمزد بهره‌مند هستند و برای خود معلولان معافیتی در این خصوص پیش‌بینی نشده است. باید توجه داشت امتیاز مقرر در ماده ۱۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم به‌منظور معافیت نیست، بلکه افراد معلول و سرپرستان آنها می‌توانند هزینه‌های درمان، مراقبت و توانمندسازی را که به تأیید وزارت بهداشت رسیده است، به اداره مالیاتی اعلام کنند و از درآمد مشمول مالیات آنها، کم می‌شود.

ازدواج رابطه‌ای پیچیده است که ناخودآگاه فردی و جمعی دو طرف را به هم پیوند می‌زند؛ درواقع افراد با فرهنگ و خانواده همسرشان هم ازدواج می‌کنند و باید به باورها و آداب و رسوم آنها نیز احترام بگذارند؛ چراکه گذشته و نزدیکان تأثیر مهمی بر تفکر و عمل افراد دارند.

بر اساس نظام دل‌بستگی، همسر می‌تواند منبع دل‌بستگی جدیدی برای نابینایان و کم‌بینایان باشد و هر یک از دو طرف ارتباط، امکان دارد پایگاه امنیت و آرامش دیگری قرار بگیرند؛ در این صورت افراد شریک عاطفی و منبع دل‌بستگی‌شان را با هر شرایطی که دارد، می‌پذیرند و استقلالش را به رسمیت می‌شناسند، درحالی‌که اشخاص وابسته تنها به طرف مقابل خود عادت می‌کنند.

ازدواج رابطه‌ای عاطفی است که بر اساس تعهد، صمیمیت و هیجان بنا می‌شود. زوجین به یکدیگر وفادار هستند، در غم و شادی همدیگر را حمایت می‌کنند و از فانتزی‌های انگیزشی و هیجانی شورانگیز لذت می‌برند. درکل علایق و سلیقه‌های یکدیگر را در نظر می‌گیرند و باهم تجربه‌های عاطفی خوشایندی رقم می‌زنند. اگر یکی از این سه عنصر از بین برود، زندگی مشترک دچار خشکی، ملال و طلاق می‌شود.

از سوی دیگر در شرایط کنونی نسبتاً سنتی و غیرمدرن کشور، این افراد برای ازدواج کمتر می‌توانند انتخابی داشته باشند یا مورد انتخاب قرار بگیرند؛ چراکه در حال حاضر فضای جامعه و امکانات اجتماعی برای افراد نابینا و کم‌بینا به صورت کامل دسترس‌پذیر نیست و انتظارات و نقش‌های جنسیتی اجتماعی، به‌ویژه برای خانم‌ها در شرایط کنونی کشور، دیدن را مطالبه می‌کند و انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی کم و زیاد نیاز به ادراک بینایی دارد. همچنین نابینایان و کم‌بینایان ایرانی به علت تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی، نمی‌توانند به صورت آزاد و گسترده به تمامی فناوری‌های نوین جهانی در زمینه [نرم‌افزار](#) و [سخت‌افزار](#)

## همزیستی کبوتران در سرمای زمستان (چگونگی ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا)

مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از  
[بیماران چشمی آریبی](#)

مقدمه



ازدواج و رابطه عاطفی برای نابینایان و کم‌بینایان تجربه‌ای مفید و آرام‌بخش است که به آنها کمک می‌کند تا خودشان را بهتر بشناسند و روابطشان را بهبود ببخشند. این ارتباط یک تصویر منسجم را از نقاط قوت و ضعف فراهم می‌کند و باعث می‌شود افراد از خودخواهی و خودشیفتگی دور شوند و با وجود مشکلات و مسئولیت‌هایی که دارند، زندگی‌شان را لذت‌بخش‌تر ببینند، ولی بعضی نابینایان و کم‌بینایان در ازدواج به دنبال خانواده گم‌شده‌شان هستند؛ درنتیجه سلیقه، استقلال و شرایط طرف مقابل را در نظر نمی‌گیرند و توقع دارند شریک عاطفی‌شان تصویر خیالی آنها را جامه عمل بپوشاند، دوست دارند مالک دیگری باشند و او را مطابق میل خودشان تغییر دهند. از سوی دیگر انجام کارها و وظایفی را که خود نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برعهده بگیرند، به گردن همسرشان می‌اندازند، درحالی‌که قرار نیست بعد از ازدواج، هیچ‌کدام از طرف‌های ارتباط شبیه به دیگری شود و فردیتشان از بین برود یا بار دیگری را به دوش بکشد. اگر کسی به‌جز آرامش و رشد انتظاری از ازدواج داشته باشد، رابطه‌ای که دارد، دیر یا زود، دچار مشکل خواهد شد.



دومین جایگاه را دارد. تشکیل خانواده افراد کم‌بینا با نابینا سومین شکل رایج ازدواج است. در این حالت هم مردان نابینا ترجیح می‌دهند با زنان کم‌بینا ازدواج کنند. ازدواج افراد نابینا با نابینا هم به‌عنوان چهارمین جایگاه فراوانی، مشاهده می‌شود.

در گروه سوم، افراد نابینا و کم‌بینا گرایش دارند تا با اشخاصی ازدواج کنند که معلولیتی به‌جز بینایی دارند. به نظر می‌رسد این نوع از ازدواج در بین افراد آسیب‌دیده بینایی، کمترین میزان فراوانی را دارد. ظاهراً افراد دارای سایر معلولیت‌ها چندان استقبال نمی‌کنند با نابینایان و کم‌بینایان زندگی مشترک تشکیل بدهند. این موضوع شاید به‌خاطر مشکلات جانبی‌ای است که احتمال دارد با همراهی دو نفر با معلولیت متفاوت پیش بیاید.

## آسیب‌شناسی اشکال ازدواج

درکل از نظر روانی ازدواج درون‌گروهی یا بین‌گروهی برای افراد با آسیب بینایی اطمینان خاطر و اعتمادبه‌نفس به همراه دارد؛ چراکه میزان همدلی و همراهی بین دو طرف ارتباط بیشتر است و در بحبوحه مشکلات زندگی، هیچ‌کدام از آنها حس سرباری یا برتری‌جویی نسبت به دیگری ندارد. در مقابل اگر افراد با آسیب بینایی با اشخاص بینا و حتی کسانی که دید بهتری نسبت به آنها دارند، خانواده تشکیل دهند، می‌توانند بیشتر از امکانات و لذت‌های دیداری استفاده کنند؛ به‌خاطرهمین زوج‌هایی که هر دو کم‌بینا یا یکی کم‌بینا و دیگری نابینا هستند، در زندگی مشترکشان مشکلات کمتری دارند.

متأسفانه بیشترین آمار طلاق افراد با آسیب بینایی مربوط به ازدواج‌های برون‌گروهی است. با اینکه همسران بینا می‌توانند در تمامی امور دیداری کمک‌حال شریک نابینا یا کم‌بینایشان باشند، اما یک ناراحتی مزمن در چنین ازدواج‌هایی وجود دارد؛ افراد نابینا و کم‌بینا می‌ترسند که همسر بینایشان خود را برتر بداند و به‌خاطر مشکلات و محدودیت‌های ناشی از ندیدن خسته بشود یا آنها را سرزنش و تحقیر کند. همچنین نابینایان و

کمک‌توان‌بخشی دسترسی داشته باشند تا محدودیت‌های ناشی از معلولیت بینایی را در زندگی روزمره خود کاهش دهند. این عوامل در کشور شرایطی را رقم می‌زند که شانس ازدواج افراد کم‌بینا بیشتر از نابینایان و آقایان بیشتر از خانم‌های با آسیب بینایی بشود. در همین راستا بررسی‌های غیررسمی بیانگر آن است که آقایان کم‌بینا نسبت به هم‌نوعانشان بیشتر ازدواج می‌کنند، اما متأسفانه خانم‌های نابینا معمولاً مجرد می‌مانند، مگر آنکه صفات و ویژگی‌های خاصی داشته باشند که آنها را از دیگران متمایز کند. آقایان نابینا و خانم‌های کم‌بینا هم کم و بیش شانس ازدواج مشابهی دارند.

## اشکال و گروه‌بندی ازدواج

آمار دقیق و رسمی‌ای در زمینه چگونگی ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا وجود ندارد. تخمین‌های موجود هم از مشاهدات میدانی و آمارهای محدود مراکز توان‌بخشی به دست می‌آید، ولی درکل علاقه همسرگزینی افراد نابینا و کم‌بینا را می‌توان به سه گروه برون‌گروهی، درون‌گروهی یا بین‌گروهی تقسیم کرد. در گروه اول، افراد نابینا یا کم‌بینا تمایل دارند که با اعضای بینا و غیرمعمول جامعه ازدواج کنند. به نظر می‌رسد این نوع ازدواج شرایط آرمانی بسیاری از نابینایان و کم‌بینایان است و بر اساس مشاهدات غیررسمی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد. همان‌گونه که گفته شد، در این نوع، آقایان نابینا و کم‌بینا بیشتر از خانم‌های دارای آسیب بینایی ازدواج می‌کنند.

در گروه دوم، افراد با آسیب بینایی با یکدیگر تشکیل خانواده می‌دهند که به سه شکل ازدواج کم‌بینا با کم‌بینا، ازدواج نابینا با کم‌بینا و ازدواج نابینا با نابینا دیده می‌شود. گاهی اوقات هم پیش می‌آید یک یا دو طرف رابطه هنگام ازدواج شرایط بینایی بهتری دارند، اما به علت پیش‌روندگی برخی از بیماری‌های چشمی و آسیب‌های بینایی، به مرور زمان دید آنها کمتر می‌شود. ازدواج افراد کم‌بینا با کم‌بینا بسیار رواج دارد و شاید از نظر فراوانی

درست و به موقع متوجه نمی‌شوند و به تبع آن در موقعیت‌های اجتماعی واکنش‌های جامعه‌پسند را نشان نمی‌دهند و نمی‌توانند در حل بحران‌ها، کمک‌حال دیگران باشند. نتیجه این مسئله فاصله گرفتن هرچه بیشتر سایر اعضای جامعه از زوج‌های نابینا خواهد بود. معمولاً نابینایانی می‌توانند بر این مشکلات غلبه کنند که به یکدیگر بسیار علاقه‌مندند، مجهز به انواع تجهیزات و نرم‌افزارهای کمک‌توان‌بخشی هستند، تسلط کامل بر مهارت‌های زندگی و روزمره دارند و به خوبی با [مهارت‌های ارتباطی](#) آشنا هستند.

نابینایان و کم‌بینایانی هم که با سایر معلولان ازدواج می‌کنند، با اینکه کمتر درگیر ناکامی‌های ناشی از ندیدن هستند و آرامش و اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند، در زندگی خانوادگی خود با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند که مربوط به وضعیت جسمانی همسرانشان است؛ برای مثال انجام امور روزانه خانه، همسران دارای معلولیت جسمی حرکتی را زودتر خسته می‌کند یا افراد کم‌شنوا با مشکلات ارتباطی دست‌به‌گریبان‌اند.

جدا از این مسائل با اینکه افراد نابینا و کم‌بینا شرایط و نیازهای خاصی دارند، هیچ خدمت مشخصی در کشور برای تشویق و تسهیل فرایند ازدواج آنها نیست و ارگان‌های عمومی یا مخصوص افراد معلول هیچ حمایتی در این زمینه ندارند. این افراد تنها مشابه سایر اعضای جامعه می‌توانند از وام ازدواج بهره بگیرند.

## راهبردهای بهبود کیفیت و بهداشت ازدواج

اقداماتی وجود دارد که می‌تواند وضعیت ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا را بهبود بخشد و عامل تداوم زندگی مشترک و بهداشت روانی خانواده‌شان باشد. نیکوست این افراد سبک زندگی سنتی و باورها و نقش‌های کلیشه‌ای را کنار بگذارند و شیوه منحصربه‌فرد خود را پیدا کنند. بعد روی مهارت‌های زندگی روزمره مانند آشپزی و کار با اپلیکیشن‌ها مسلط شوند. همچنین از امکانات جدید تسهیل‌کننده زندگی مانند لوازم آشپزخانه

کم‌بینایان معمولاً از خود می‌پرسند آیا از نظر ظاهری و جنسی جذاب هستند و می‌توانند نیازهای دیداری همسرانشان را برطرف کنند؛ بنابراین نگران خیانت و ترک همسران بینایشان هستند. کم پیش می‌آید که اعضای بینا و غیرمعلول جامعه بخواهند با نابینایان و کم‌بینایان ازدواج کنند، مگر آنکه دل‌بستگی عاطفی شدید بین دو طرف شکل گرفته باشد یا افراد با آسیب بینایی وضعیت مالی، شغلی و اجتماعی چشمگیری داشته باشند یا همسران بینا متعلق به خانواده‌هایی با سبک زندگی سنتی، سواد پایین‌تر از تحصیلات دانشگاهی، با وضعیت اقتصادی ضعیف و پرجمعیت از نظر خانوادگی باشند؛ علاوه بر این افراد بینایی هستند که جنبه‌های مذهبی و معنوی را در نظر می‌گیرند و به خاطر ثواب، حاضر می‌شوند که با این افراد ازدواج کنند. اگر اعتقادات مذهبی و عواطف معنوی موجود قوی باشد، این نوع ازدواج‌ها پابرجا می‌مانند، ولی نابینایان و کم‌بینایان همواره مجبورند خود را با همسران بینایشان هماهنگ کنند و شرایط زندگی مذهبی آنها را بپذیرند.

با توجه به شرایط کنونی کشور، ازدواج افراد نابینا با یکدیگر سخت‌ترین نوع ازدواج است و به مشکلات بسیاری برمی‌خورند. نبود بینایی در هر دو طرف ارتباط باعث می‌شود در زمینه‌هایی چون رفت و آمد در سطح جامعه، خانه‌داری، حفظ آراستگی و بهداشت فضای خانه و اعضای خانواده، تشخیص فساد مواد غذایی، غذا و دارو دادن به خردسالان و مراقبت از آنها در برابر خطرات احتمالی، [مدیریت مباحث آموزشی فرزندان](#) و ... دشوار شود. از سویی زوج‌های نابینا با خطر انزوای اجتماعی مواجه هستند؛ چراکه در حالت عادی افراد نابینا جذابیت خاصی برای اعضای بینای جامعه ندارند و داوطلب نیستند با آنها ارتباطی داشته باشند. عموم جامعه فکر می‌کند تعامل با نابینایان همراه با گرفتاری و دردسر است، مگر آنکه این زوج نابینا ویژگی‌های خاصی داشته باشند. همچنین مشارکت و هم‌نوایی اجتماعی این افراد کمتر است. چون نمی‌بینند، موقعیت‌های بحرانی را

## نقاشی با کلمات

### قسمت دوم: توصیف صوتی چیست؟

جواد سقا: دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات



با توجه به اینکه فیلم و سینما هنری عمدتاً بصری هستند، طبیعی است که فرد بینا خوانش خود را از تصویر داشته باشد، معناسازی کند و آن را توصیف و تفسیر کند. این معانی گاهی واضح و آشکار هستند و گاه در لفافه‌اند و نیاز به تفسیر دارند. تفسیر یک فیلم به درک آن کمک می‌کند. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که خوانش تصویر نابینایان از فیلمی که برایشان روایت می‌شود، چگونه تجربه‌ای است؟

حس بینایی گاه مفاهیمی از فیلم را منتقل می‌کند که فقط باید آنها را دید و درک آن مفهوم با سایر حواس بسیار مشکل است. نابینایان فیلم را گوش می‌کنند و دریافتشان بر اساس توصیف راوی از فیلم است، البته اگر راوی فیلم، مفاهیم را به درستی منتقل کند که خود این مطلب نیز حائز اهمیت است. تولید AD فیلم که با یک نگاه ساده‌انگاران کار آسانی به نظر می‌رسد، فرایندی کاملاً تخصصی است که مورد توجه نهادهای دولتی در کشورهای مختلف بوده و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری برای تعیین استانداردهای تولید توصیف صوتی برای فیلم در کشورهای غربی صورت گرفته است. پس لازم است جامعه و نهادهای دولتی حامی نابینایان و

بهره بگیرند و از فناوری‌های کمک‌توان بخشی مانند صفحه‌خوان‌ها و درشت‌نمایی‌ها استفاده کنند، البته لازم است ابتدا یک شغل مناسب و استقلال مالی نسبی برای خود فراهم کنند. این مؤلفه‌ها، استقلال و اعتماد به نفس این افراد را افزایش می‌دهد.

افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با گسترده کردن روابط اجتماعی‌شان، کم‌کم گزینه‌هایی برای ازدواج پیدا کنند، ولی باید فانتزی‌های خیالی را مانند ازدواج صرفاً با افراد بینا یا ثروتمند کنار بگذارند. این افراد می‌بایستی به دنبال کسانی باشند که ندیدن را تنها یک ویژگی فردی بدانند و تلاش کنند با دیگری رابطه عاطفی بسازند؛ چراکه روابط عاطفی‌شان معمولاً به ازدواج منجر می‌شود.

در این راستا آموزش و پرورش استثنایی، سازمان بهزیستی، مؤسسات و انجمن‌های مخصوص آسیب بینایی هم می‌توانند در زمینه پرورش و توان بخشی افراد نابینا و کم‌بینا فعال‌تر بشوند و انواع مهارت‌های زندگی را به آنها آموزش دهند. همچنین رسانه‌های جمعی ظرفیت آن را دارند که برنامه‌های آگاهی‌بخش درباره شناخت واقعی نقاط قوت و ضعف افراد نابینا و کم‌بینا بسازند و نگرش عموم جامعه را تغییر بدهند.

به‌آدم‌بلاغ آمد گل یاس

تماثی شده گل های کیلاس

بگویدش بر او دیوانه گشته

مهاجر از فراش ایها الناس

است تصویر به‌عنوان یک نوع ترجمه محدود بین نشانه‌شناختی دیده شود، زیرا توضیحات، زمانی که با سندی که تصاویر در آن گنجانده شده است همراه نباشند، به‌خودی‌خود معنا ندارند. مخاطبان توصیف صوتی طیف وسیعی از افراد مختلف هستند. هدف این روایت اضافی در دسترس قرار دادن محتوای محصول سمعی و بصری برای همه است. در ماده ۹ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸ گفته شده است: «افراد معلول باید به اطلاعات و ارتباطات، از جمله فناوری‌ها و سیستم‌های اطلاعات و ارتباطات و سایر امکانات و خدماتی که در مناطق شهری و روستایی برای عموم ارائه می‌شود، همانند سایر افراد جامعه دسترسی داشته باشند.» خدمات دسترسی وسیله‌ای برای انجام این کار است و AD یکی از این خدمات است.

توصیف‌ها به افراد دارای نقص بینایی امکان دسترسی به تصاویر جدایی‌ناپذیر یک اثر هنری خاص را می‌دهد. توصیف صوتی فیلم و ویدئو، تلویزیون، اجراهای زنده و نمایشگاه‌ها و موزه‌ها به‌عنوان یک تکنیک دسترسی برای نابینایان و کم‌بینایان در نظر گرفته شده است. در مورد AD که روی افراد دچار مشکلات بینایی تمرکز دارد، صدای توصیف‌کنندگان واسطه‌های اجتماعی هستند.

پرفسور جوئل اسنایدر در سطح بین‌المللی به‌عنوان یکی از اولین توصیف‌کنندگان صوتی شناخته می‌شود. اسنایدر توصیف رویدادهای هنری را در ۱۹۸۰م با اولین سرویس توصیف صوتی مداوم در جهان، در واشنگتن دی‌سی آغاز کرد. کارهای او باعث شد مخاطبان کم‌بینا و نابینا به صدها تئاتر زنده دسترسی داشته باشند. اسنایدر از همان روش در رسانه‌ها هم استفاده کرد. او از این تکنیک برای پخش برنامه‌های شبکه‌های ای‌بی‌سی و فاکس، فیلم‌های سینمایی، موزه ملی هوا و فضا، مؤسسه ملی تیتراژ و مجموعه‌های تلویزیونی پخش شده در سراسر کشور آمریکا استفاده کرد. او همچنین

کم‌بینایان، به‌ویژه فعالان حوزه تولید توصیف صوتی فیلم و جامعه هدف با آن بیشتر آشنا شوند. تنها علاقه‌مندی حامیان نابینایان و کم‌بینایان به تولید AD یا توصیف صوتی فیلم و عدم آشنایی فعالان این حوزه با استانداردهای تولید AD و ویژگی‌های توصیف‌کنندگان صوتی، سطح کیفی فیلم‌های توصیف صوتی شده را ارتقا نمی‌بخشد؛ بنابراین آشنایی با توانایی‌های یک توصیف‌کننده آموزش‌دیده، اصول و استانداردهای تولید AD و در نتیجه بالا رفتن سطح کیفی توضیحات صوتی فیلم‌ها باید هدف باشد؛ چراکه توصیف صوتی فیلم در دنیا به‌عنوان یک حرفه به مهارت‌ها و دانش بالایی نیاز دارد. از این طریق باید در بهره‌مندی بهتر افراد دارای اختلال بینایی از این امکان فرهنگی کمک کرد. بیشتر سینماهای دنیا در حال حاضر به‌صورت AD فیلم را برای نابینایان نمایش می‌دهند. اگر این کار با دقت انجام شود، در ایران این پتانسیل را دارد که علاوه بر فیلم‌ها به ژانرهای تئاتر و سایر هنرها هم اضافه شود. تنها از طریق همکاری با یکدیگر است که می‌توانیم توصیف صوتی استاندارد و فراگیر را که هم تماشاگران هم فیلم‌ها سزاوار آن هستند تولید کنیم.

در توصیف صوتی تمرکز بیشتر بر مهم‌ترین مرحله تولید AD، یعنی چگونگی نوشتن متن توصیف‌ها و آگاهی نویسندگان از استانداردهای این کار است؛ چراکه توصیف‌گران با نگاه دقیق و خوانش درست تصاویر، آنها را با کلماتی موجز و تصویری به مخاطبان منتقل می‌کنند.

## توصیف صوتی چیست؟

توصیف صوتی (AD) می‌تواند برای هر بازنمایی رسانه‌ای پویا یا ایستا انجام شود؛ بنابراین از یک تور گردشگری با راهنما در شهر یا یک فیلم سه‌بعدی تا یک نقاشی می‌تواند توصیف صوتی شود. شرح صوتی را می‌توان حالت بسیار خاص از ترجمه محدود در نظر گرفت؛ جایی که در آن متن مقصد و در این مورد، تصویر، تابع سایر الزامات است. به‌طور خاص ممکن

## دکتر محمد خزائلی و گسترش نهادهای

### آموزشی نابینایان

محمد نوری: پژوهشگر حوزه معلولیت

محمد خزائلی، متولد ۱۳۹۲ش، در اراک، از افرادی است که به‌رغم نابینا شدن در کودکی، با تلاش و پشتکار به مدارج عالی علمی و اجتماعی دست یافت و توانست چندین آموزشگاه و مدرسه برای نابینایان تأسیس کند و تحولات ژرف و اساسی در زندگی و سرنوشت نابینایان ایران پدید آورد. این مقاله درصدد معرفی فعالیت‌های محمد خزائلی در زمینه مدرسه‌سازی نابینایان و توسعه نهادهای آموزشی نابینایان است و جنبه‌های دیگر شخصیت و کارنامه او بررسی نمی‌شود؛ هرچند به‌منظور آشنایی اولیه و اجمالی با سیر تحولات زندگی‌اش، از کودکی تا پایان عمر، زندگی‌نامه مختصری از او ارائه می‌کنم.

### زندگی‌نامه

محمد خزائلی، فرزند محمدرضا، در ۱۳۹۲ش، در کره‌رود اراک چشم به جهان گشود. او در هجده‌ماهگی و بر اساس گزارشی دیگر در چهارسالگی بر اثر ابتلا به بیماری آبله بینایی خود را از دست داد. در آن زمان برای آموزش و پرورش نابینایان در ایران وسایل و مدارس خاص وجود نداشت؛ از این رو به مکتب رفت و در هفت‌سالگی در مکتب مرحوم شیخ حسین مدنی مشغول آموختن شد. پس از پایان مکتب و به‌محض افتتاح نخستین مدرسه در اراک به نام «مدرسه سهامیه» روانه این مدرسه شد. درس‌ها را برایش

کارگاه‌های آموزشی توصیف را در کشورهای لیتوانی، نروژ، فنلاند، چک، بلغارستان، انگلیس، روسیه و چند کشور دیگر برپا کرده است. امروزه تولیدکنندگان رسانه، موزه‌ها، مدرسه‌ها، کتابخانه‌ها و اماکن دیگر در سراسر جهان برنامه‌های AD را توسعه می‌دهند.

جوئل اسنایدر معتقد است، توصیف صوتی تا حد زیادی نوعی کار هنری، ادبی است، این کار یک نسخه کلامی از تصویری است که به‌صورت شنیداری و شفاهی ساخته شده است. AD از کلماتی استفاده می‌کند که واضح هستند، تخیلی‌اند و قدرت بالایی برای انتقال دارند. تصاویر بصری برای بخشی از مردم در دسترس نیست و برخی افراد بینا هم که می‌بینند، ممکن است آن تصاویر را کاملاً درک نکنند. AD می‌تواند تجارب هنری بیشتری را در اختیار همه تماشاگران موزه‌ها، تئاتر، تلویزیون و سینما قرار دهد. این روش برای هرکسی که می‌خواهد چشم‌انداز کاملی از هر رویداد بصری را درک کند مفید است، اما به‌عنوان ابزاری برای دسترسی افراد نابینا یا کم‌بینا بسیار کمک‌کننده است.



خوش آن دم که خندان با تو باشم

بهاران در بهاران با تو باشم

خوش آن شب، تو باشی ماه آن شب

هان شب زیر بهاران با تو باشم

بود و با پشتکاری عجیب و ذوقی سرشار که در نهاد او منحصربه‌فرد بود، تحصیلات عالی را ادامه داد تا جایی که در ۱۳۳۲ش، در رشته ادبیات فارسی و در ۱۳۳۶ش از دانشکده حقوق دانشگاه تهران درجه دکتری را گرفت. خزائلی بر زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط داشت و با زبان آلمانی آشنا بود.



از خزائلی کتاب‌هایی به جای مانده است که گویای رویکرد فکری و تفکرات اوست. او در زمینه‌هایی که کتاب نبود یا کم بود و دانشجویان نیاز داشتند، دست به کار نوشتن می‌شد. در مجموع، ۳۵ عنوان کتاب از او باقی مانده است.

محمد خزائلی نه تنها در راه توسعه فرهنگ و دانش فعالیت کرد، بلکه درصدد بود نابینایان به مدارج عالی علمی برسند و در زمینه بهسازی و بهزیستی

می‌خواندند و او به دلیل حافظه قوی درس را یاد می‌گرفت. در دوران ابتدایی، همیشه شاگرد اول بود و با وجود نابینایی با دشواری‌های بسیاری مواجه نشد و مدرک ششم ابتدایی را با معدل بیست گرفت. خزائلی تحصیلات متوسطه را در دبیرستان صمصامی اراک ادامه داد، اما چون اولین نابینایی بود که می‌خواست این مسیر را طی کند، با موانع و مشکلات بسیار مواجه شد. او بالاخره با تلاش فراوان و سماجت، مدرک پایان دوره متوسطه را دریافت کرد.

خزائلی به معلمی علاقه داشت، ولی از نظر قانونی نمی‌توانست استخدام شود. او با پشتکار از این موانع هم گذشت و در ۱۳۲۱ در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس ابتدایی شروع به آموزش و معلمی کرد.

او در جوانی با موسیقی آشنایی پیدا کرد و گاهی برای آرامش خویش سازی می‌نواخت. در ۱۳۱۸ش با یکی از شاگردانش ازدواج کرد. همسرش در امور مختلف یار و یاورش بود، از جمله کتاب‌ها را برایش می‌خواند و او مطالب را به حافظه می‌سپرد. محمد خزائلی که گاه او را «محمد نابغه» می‌خوانند، هیچ‌گاه در راه تحصیل از پای ننشست و با وجود مشکلات فراوانی که سر راهش بود، در آزمون دانشگاه شرکت کرد. او در ۱۳۲۴ش، با کسب رتبه اول، مدرک کارشناسی را از دانشکده الهیات گرفت و مفتخر به دریافت مدال علمی شد. سپس در ۱۳۲۵ش از دانشکده حقوق و در ۱۳۲۹ش از دانشکده ادبیات مدرک کارشناسی را گرفت، ولی چون تشنه کسب دانش

## کارنامه نهادسازی

خزائلی علاوه بر اینکه پژوهشگر، نویسنده، سیاست‌مدار، حقوق‌دان و قانون‌گذار و روزنامه‌نگار بود، نهادساز هم بود. کارنامه‌اش نشانگر این است که ارتقای سطح زندگی نابیانیان را وابسته به ارتقای سطح فرهنگی آنان می‌دانست، یعنی معتقد بود تا وقتی نابیانیان از نظر فرهنگی، باسواد و تحصیل‌کرده و مهارت‌آموخته نشده باشند، نمی‌توانند به زندگی مطلوب برسند، اما ارتقای سطح فرهنگی نابیانیان به توسعه آموزش و پرورش ربط داشت و البته توسعه آموزش و پرورش به تأسیس و دایر کردن مدارس در هر شهر و روستا بستگی دارد. وقتی خزائلی این افکار در سرش می‌گذشت، مدرسه نابیانیان در تهران هم نبود. او فقدان مدرسه و آموزشگاه را علت همه نابسامانی‌ها و مشکلات نابیانیان می‌دانست؛ از این رو تأسیس و دایر کردن آموزشگاه و مدرسه برای نابیانیان را شروع کرد. اکنون به ترتیب تاریخی فعالیت‌های او را در این زمینه مرور می‌کنیم.

– **آموزشگاه اراک:** اسناد و مدارک نشان می‌دهد نخستین اقدام خزائلی در تأسیس مدرسه و آموزشگاه، در شهر زادگاهش اراک بوده است. خزائلی در ۱۳۱۱ش آموزشگاه اراک را تأسیس کرد.

و رفاه جامعه نابیانیان ایران هم بسیار کوشید. او بیست‌سال متوالی در «انجمن ملی هدایت و حمایت نابیانیان ایران» و بعد در «سازمان رفاه نابیانیان» برای معیشت، اشتغال و رفاه این گروه فعالیت‌های ارزشمند و زیربنایی انجام داد. خزائلی در سال‌های ۴۶ و ۴۸، در مجلس شورای ملی، درباره نابیانیان سخنرانی کرد و گزارشی از وضع آنان و اقدامات انجام‌شده ارائه داد.

او همچنین مجله‌ای به نام «روشندل» با موضوع‌هایی در زمینه‌های علمی، فرهنگی و مذهبی منتشر می‌کرد. محمد خزائلی در ۲۲ خردادماه ۱۳۵۳ش، در ۶۲ سالگی درگذشت.

دکتر محمد خزائلی بخشی از تاریخ نابیانی ایران و نیز فردی شاخص در هویت جامعه نابیانیان ایران شده؛ همان‌طور که جبار باغچه‌بان در فرهنگ و جامعه ناشنویان برجسته است. مدیرعامل مؤسسه نابیانیان و کم‌بینایان قزوین مطلبی گفته که گویای بسیاری از واقعیت‌هاست: دکتر خزائلی از شخصیت‌های برتر جهانی است که خدمات بسیاری برای باسوادی نابیانیان انجام داده. حالا به جای تقدیر از او و خیابانی را به نامش کردن، می‌خواهند نامش را از مدرسه خودش هم حذف کنند!

<sup>۱</sup> «نام مدرسه خزائلی هویت نابیانیان است، تغییرش

ندهید»، وبگاه ایسنا

سنین مختلف از بی‌سوادی و افزایش کارایی این افراد با همت دکتر محمد خزائلی و چند تن از همفکرانش در تهران شروع شد.

سازمان برنامه و بودجه در بهمن ۱۳۴۸ش، بنا به درخواست و پیگیری‌های مجدانه دکتر محمد خزائلی، بازسازی آموزشگاه را تصویب کرد و قرار شد که وزارت آموزش و پرورش، ساختمان مذکور را برای امور آموزشی و کلاس‌های درسی نابینایان تجدید بنا کند که اقدام لازم در این مورد انجام و از مهر ۱۳۵۰ش، از ساختمان جدید آموزشگاه بهره‌برداری شد.

با تأسیس دفتر استثنایی در وزارت آموزش و پرورش در ۱۳۴۷، خزائلی از ظرفیت‌ها و امکانات آنجا برای آموزشگاه خودش استفاده کرد، از جمله درخواست کرد تا معلم‌های استخدام‌شده و آموزش‌دیده را از آن دفتر به آموزشگاهش بفرستند. همچنین در ۱۳۵۰ش، با افتتاح سازمان ملی رفاه نابینایان، از امکانات مالی و اداری آنجا هم بهره برد.

از ۱۳۵۳ش، محمدرضا نامنی با هماهنگی دفتر استثنایی و سازمان رفاه، مدیر آموزشگاه خزائلی شد. او که نابینا بود و در این زمینه تحصیل و تحقیق کرده بود، توانست آموزشگاه را به صورت اساسی متحول کند.

## ضرورت پرداختن به خزائلی

همان‌طور که اگر سعدی و حافظ را از فرهنگ فارسی حذف کنیم، هویتی باقی نمی‌ماند، حذف خزائلی و چنین شخصیت‌هایی هم موجب بی‌هویتی و مشکلات فرهنگی و اجتماعی خواهد

– **انجمن هدایت و حمایت نابینایان ایران:** خزائلی در ۱۳۴۲ش، این انجمن را ابتدا در خانه خودش در تهران با هدف آموزش نابینایان و ارتقای فرهنگی آنان تأسیس کرد. هدف این انجمن حمایت از نابینایان بود؛ از این رو به سوادآموزی، کاریابی و ایجاد روابط اجتماعی می‌پرداخت. همچنین به نابینایان مشاوره می‌داد و آنها را راهنمایی می‌کرد.

پس از مدتی این انجمن از خانه خزائلی به مدرسه پسرانه خزائلی، در خیابان شاه‌آباد (خیابان جمهوری کنونی)، کوچه ظهیرالاسلام که اکنون خیابان شده است منتقل شد و اسم آن را به «انجمن حمایت و هدایت نابینایان ایران» تغییر دادند.

– **آموزشگاه بزرگسالان:** خزائلی پس از آمدن به تهران درصدد برآمد تا برای بزرگسالان نابینا و کم‌بینا که در آن زمان به آنان «اکابر» می‌گفتند، آموزشگاهی دایر کند. او نظام آموزش اکابر را از ۱۳۴۲ش، برای نابینایان در خیابان شاه‌آباد تهران دایر کرد. آموزشگاه خزائلی به نام‌های «آموزشگاه شبانه نابینایان»، «آموزشگاه شبانه خزائلی» و «آموزشگاه بزرگسالان نابینا» معروف است.

– **مجمع نابینایان خزائلی:** این مرکز آموزشی از ۱۳۴۲ش، با آموزش اکابر یا بزرگسالان نابینا کارش را شروع کرد و به تدریج گسترش یافت و آموزش کودکان و سپس دوره‌های راهنمایی و متوسطه را هم تأسیس کرد.

فعالیت این مرکز که از آن با نام «آموزشگاه نابینایان دکتر خزائلی» یاد شده، با هدف رهایی نابینایان در



**نواک: نوای کتاب در گفتگو با**

**صاحب‌نظران نابینا**

**رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد**

**کتاب‌خانه‌های عمومی ایلام**

درود بر همراهان و خوانندگان نسل‌مانا!



همراه با زهرا همت از لابه‌لای موضوع‌ها و کتاب‌ها به سراغ سرگذشت و زندگی‌نامه و سفرنامه می‌رویم و روزهای زندگی افرادی را ورق می‌زنیم که تجربیات زیسته‌شان می‌تواند دیدی وسیع و نگاهی عمیق از آنچه پشت سر گذاشته‌اند به ما بدهد؛ افرادی که داستان زندگی‌ای که گذرانده‌اند، آن قدر جذاب است که خواننده را تا انتهای کتاب با خود همراه می‌سازد و تجربیات زندگی‌شان همان کوله‌بار سنگینی است که بر دوش کشیدنش از طرف نویسنده نشان‌دهنده توانایی بالای اوست که توانسته است از آن راه بگذرد و اندوخته‌هایش را با دیگران نیز به اشتراک بگذارد.

زهرا همت آموزگار استثنایی شهر تهران و کارشناس ارشد روان‌شناسی است. او سعی دارد تا از زندگی کسانی برایمان سخن بگوید که خواندن تجربیاتشان را اتفاقی دوست‌داشتنی می‌داند و تلاش می‌کند تا این تجربه را به بهترین شکل برای همراهان نواک بیان کند.

آموزگار مهمان نواک از شروع علاقه‌اش به موضوع سرگذشت و زندگی‌نامه می‌گوید. او توضیح می‌دهد که خواندن کتاب‌های علمی روان‌شناسی انتخاب دوران

شد. برعکس نیاز است با الگوسازی و پردازش این شخصیت‌ها، نسل جدید را متمایل به فرهنگ بومی کنیم، البته کارنامه محمد خزائلی بسیار گسترده است و ابعاد مختلف دارد و این مقاله فقط به نهادسازی خزائلی در زمینه آموزش پرداخت.

## مآخذ

- زنگنه، پری، **آن سوی تاریکی**، تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۸۹، ۳۰۳ - ۳۱۷.

- خزائلی، شایسته «پدرم منش دوست‌داشتنی دشت»، **خبرگزاری کتب ایران**، ۱۲ آذر ۱۳۹۷.

- نامنی، محمدرضا؛ **حیات روشنایی**، افسانه و ترابی میلانی، فریده، **تحول روانی، آموزش و توانبخشی نابینایان**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ۳۳۵ - ۳۴۳.

- نوری، محمد و شادکام، منصور، **دائرةالمعارف نابینایی و نابینایان ۳ جلد**، قم: انتشارات توانمندان، ۱۴۰۲، ۱۱۴ و ۳۵۸، ۸۵۴ - ۸۵۵.

- مشیر سلیمی، علی‌اکبر، **سخنوران نابینا یا کوران روشن‌بین**، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فریدون علمی، ۱۳۴۴، ۴۶۰ - ۴۶۳.

بهار آمد صدای بلبل آمد

صدای بلبل از شوق گل آمد

تورا دیدم بر رخ افکنده کیو

بریاوم بر گل با نسل آمد

# نسل‌مانا

دانشجویی‌اش بوده و هیچ علاقه‌ای به خواندن کتاب داستان نداشته است؛ تا اینکه با کتاب **انسان در جست‌وجوی معنا**، اثر ویکتور فرانکل، آشنا می‌شود. همت توضیح می‌دهد وقتی قسمت دوم کتاب را خواندم که مباحث لگوترایی یا معنادرمانی را بیان می‌کرد؛ دریافتم که آموخته‌هایم از قسمت اول که دربرگیرنده زندگی نویسنده بود، بیشتر از قسمت دوم کتاب است و به کمک قسمت اول کتاب توانستم مباحث بخش دوم را بهتر دریابم. این اتفاق سبب شد تا خواندن داستان‌هایی مبتنی بر واقعیت برایم جذاب شود و بعد از آن به سراغ کتاب‌هایی رفتم که زندگی افراد و سفرهای واقعی آنها را در برمی‌گرفت.

زهرا همت در پاسخ به این پرسش که چه خصیصه‌ای در زندگی‌نامه و سفرنامه‌ها موجب علاقه او به این گروه از کتاب‌ها شده است می‌گوید: خواندن این دست کتاب‌ها سبب می‌شود تا همراه با نویسنده به مکان‌ها و زمان‌هایی سفر کنیم که امکان تجربه آنها برای خودمان وجود ندارد و بعد جدیدی از زندگی را پیش رویمان قرار می‌دهد. ویژگی یک سفرنامه و زندگی‌نامه خوب از نظر زهرا همت این است که ما را از اکنون خود جدا کند و به زمان و مکان یادشده ببرد.

زهرا همت در ادامه گفتگوی خود با نواک به معرفی کتاب‌هایی می‌پردازد که خودش خوانده است و خواندن آنها را برای شنوندگان مفید می‌داند. او برای نشان دادن جذابیت هر یک از کتاب‌هایی که معرفی می‌کند، یک پاراگراف تأثیرگذار از کتاب را می‌خواند تا اهل مطالعه بیش از یک معرفی در فضای اصلی کتاب قرار گیرند.

برخی کتاب‌هایی که زهرا همت معرفی می‌کند عبارت‌اند از: **انسان در جست‌وجوی معنا**، نوشته ویکتور فرانکل؛ **جنگ چهره زنانه ندارد**، از سوتلانا الکساندرونا الکسویچ؛ **من عروس بن‌لادن**، اثر کارمن بن‌لادن؛ **میشل تسدن**، از میشل اوباما؛ **گل صحرا**، اثر کاتلین میلر؛ **تشنه سال در میان زنان**

مهمان نواک از سفرنامه‌هایی که خوانده به معرفی **سفرنامه برادران امیدوار** می‌پردازد و بیان می‌کند که این دو برادر موزه‌ای از آثار سفر خود را دایر کرده‌اند که می‌تواند گواهی بر صحت نوشته‌های سفرنامه‌شان باشد.

زهرا همت در پایان گفتگوی خود با نواک اظهار امیدواری می‌کند که خوانندگان نواک سال خود را با خواندن کتاب آغاز کنند و مانند او از مطالعه لذت ببرند.

همراهان نواک در نظر داشته باشند کتاب‌های معرفی شده در پادکست و هر منبع مطالعاتی را که نیاز دارند می‌توانند از بخش‌های نابینایان و کم‌بینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور دریافت کنند.

خبرآوردو. بلبل از بهاران

منرح کشته کوه و کوهساران

بیابانم بگردیم و بخوانیم

سرود عشق راد ز بهاران

# نسلمانا

## دویدن‌ها و نرسیدن‌ها!

ما گاهی فکر می‌کردیم همه مشکلات ما ریشه در بی‌پولی دارد و با مرحوم مارکس هم‌نظر بودیم که اقتصاد زیربنا است، اما چند وقت پیش در ایام پیشانوروز اتفاقاتی افتاد که فهمیدیم نظرمان به نظر آن بزرگوار که اقتصاد را متعلق به غیر نوع بشر می‌دانست نزدیک‌تر است.

داستان این است که چند روز قبل از نوروز، یعنی یکی دو روز پیش از روز نیکی به همسایگان، ما همه پول‌هایمان ته کشید و زار و نزار در منزل گوشه عزلت گزیده بودیم و کاسه چه کنم چه کنم در دست، در این اندیشه بودیم که عید خود را چه خاکی بر سر بریزیم، البته نه اینکه فکر کنید ما این ماه ولخرجی کرده باشیم و به این مناسبت جیبمان خالی شده باشد؛ خیر! ما اتفاقاً سال‌هاست یاد گرفته‌ایم دم عیدی مقتصدتر باشیم تا اواسط فروردین به غلط خوردن نیفتیم، اما نمی‌دانم این آمریکای جنایتکار چه مرگش شده که هر سال دم عیدی دلارش را گران می‌کند و همه اجناس ما هم با سیاست‌های این جهان‌خوار گران می‌شود و کار به اینجا می‌رسد که ما هر روز گداتر می‌شویم. به خدا که ما آخرش از دست این جنایتکاران بی‌وجدان با اسحاق می‌رویم کانا! حدافل دلارشان ده تومان ارزان‌تر از آمریکاست.

باری، کز کرده در گوشه خانه نشسته بودیم که ناگهان موبایلمان به صدا درآمد و پیامکی از بانک حال ما را زیر و رو کرد:

واریز ۷۰ میلیون ریال. مانده: ۷۰ میلیون و ۱ ریال!

پشت‌بندش هم یک پیامک از سازمان فخمه آمد:

مددجوی عزیز! ضمن تبریک سال نو، عیدی شما واریز شد.

ما که تا دیروز سازمان فخمه را بابت مستمری هفت‌صدهزار تومانی فحش می‌دادیم، ناگهان به سر کیف آمده و ناخودآگاه رحمتی فرستادیم بر آن



غزلی تازه نوشتم غزل از جنس بهار

غزل از برگ گل تازه و خوش‌نقش و بخار

نقش بر مصرع آن نقشه احساس من است

می‌کنم بیدۀ خاک قدم حضرت یار

میت‌هایش همه آکنده شده از گل یاس

گل نیلوفر و زکس گل ختمی گل ناز

کاش همه در است و عشق یعنی

وزن و آهنگ خوشش می‌طلبد تار و سه تار

دل اگر عشق نوزد نبود لایق دوست

دل‌م افتاده به دام لب و کیسوی بخار

من مهاجر شده‌ام کشته‌ام آوارۀ دهر

خضر را هم تو با ما باش و به راهم تو یار

# نسل‌مانا

دیدیم باب آشنایی باز شده، تصمیم گرفتیم از همان مغازه لباس بخریم. پرسیدیم: شما چه نوع لباس‌هایی دارید؟ گفت: همه نوع. گفتیم: یک پیراهن شیک و مجلسی می‌خواهیم. با کمی تردید گفت: لباس‌های ما برای شما مناسب نیست، از جای دیگری خرید بکنید بهتر است! بعد هم سریع رفت داخل مغازه تا به مشتری‌هایش برسد.

چند متر جلوتر احساس کردیم چیز نرمی زیر پایمان است. تا به خودمان بیاییم، یک آقا با خشونت توأم با ترحم گفت: بنده خدا حواست کجاست؟! رفتی رو بساط من! از اون‌ور برو! ما که هنوز سرخوشی ناشی از پیامک در رگ‌هایمان جاری بود گفتیم: چشم! فقط ای کاش شما روی این مسیر بساط نکنید! راستی چی می‌فروشید؟ با بی‌میلی جواب داد: جوراب. گفتیم: چه عالی! اتفاقاً ما هم می‌خواستیم برای عیدی جوراب بخریم. جوراب‌هاتون چطوری هستن؟ جوراب‌فروش بدون حرف چند تا جوراب تو یک کیسه کرد و دستمان داد و گفت: دعا کن برامون عموجان!

ما، سرخوش از میلیونر بودن، با خوش‌رویی گفتیم: چشم عموجان! دعا هم می‌کنیم. فقط نگفتید چند؟ راجع به رنگ و نوعش هم از ما نظری نخواستین. خودتون برامون تصمیم گرفتین. کمی هم خنده چاشنی حرفمان کردیم که خدای‌ناکرده به تیریح قبای مبارکش برنخورد. گفت: کی پول خواست بنده خدا؟! اسب پیشکشی بود؛ دندونش رو دیگه نشمار! ما گرفتاری زیاد داریم. جاش برامون دعا کن، شما دلت پاکه! سعی کردیم نگذاریم این اتفاقات روزمان را خراب کند. با صبوری به جوراب‌فروش گفتیم: ببین برادر! شما باید همان‌طور که از دیگر مشتری‌هایتان در خصوص نوع و رنگ سؤال می‌کنید، همان برخورد را هم با ما داشته باشید. باور کنید چیز سختی نیست! آن‌وقت من هم مثل بقیه مشتری‌هایتان پول اجناسی را که خریدم می‌پردازم. این‌طوری هر دوی ما راحت‌تر هستیم. جوراب‌فروش زیر لب گفت: خوبی هم به اینا نیومده! ما که بحث را بی‌فایده

شیرپاک‌خورده که رئیس سازمان شده. پیش خودمان گفتیم بالاخره تلاش‌هایمان جواب داد و این ماه به اندازه حداقل دستمزد، عیدی به ما دادند. عصایمان را برداشتیم و گفتیم تا خیابان‌ها شلوغ‌تر از این نشده، برویم و باقی‌مانده خریدهایمان را داشته باشیم که امسال نوروزی خوش در انتظارمان است.



با کیف تمام از خانه بیرون زدیم و هنوز یک قدم در پیاده‌رو نرفته بودیم که ناگهان یک چیزی محکم رفت تو قفسه سینه‌مان. شخصی موتورش را دقیقاً روی مسیر نابینایان پارک کرده بود. صاحبش دوان‌دوان جلو آمد و بابت اینکه موتورش را در پیاده‌رو گذاشته عذرخواهی کرد. ما نیز که از پیامک واریز هنوز مشعوف بودیم، با لبخندی گفتیم: اشکالی نداره پسر! فقط بدون که این موزاییک‌های زردرنگ، مسیر ویژه نابینایان هستش. لطفاً موتور رو تو این مسیر نذار! با شرمندگی گفت: آه، چه جالب! نمی‌دونستم. چشم! حتماً رعایت می‌کنم. واقعاً ببخشید!

کمی جلوتر پایمان به یک میله گیر کرد و قبل از اینکه با مخ بخوریم زمین، تعادل‌مان را حفظ کردیم. لمس که کردیم، دیدیم رگال لباس است. ظاهراً مال مغازه روبه‌رویی بود. صاحبش جلو آمد و او هم از این موضوع ابراز شرمندگی کرد. هنوز اما اثر آرام‌بخش پیامک واریز وجود داشت؛ از همین‌رو به او هم همان توضیحات قبلی را دادیم و با خوش‌رویی گفتیم: پسر! رگالت رو روی مسیر نابینایان نذار! گفت: چشم! حتماً! همان‌جا که

نابیناها، خیلی باهوشید. من پیک هستم. الان هم اینجا جنس آوردم. گفتیم: شما صبح نگفتی نمی‌دونستی نباید موتور رو روی مسیر نابینایان بذاری؟! شما نبودى از صمیم قلب شرمنده شدی و گفتی دیگه موتور رو سر راه نمی‌ذاری؟! گفت: آره داداش! راست می‌گی، حق با شماست. ببخشید! به‌خدا پیک هستم. یه دقیقه بیشتر کار نداشتیم تو این مغازه. الانم دارم می‌رم. اتفاقی نیفتاده که! خدا رو شکر شما هم که طوریت نشده!

ترجیح دادیم بحث را بیشتر از این ادامه ندهیم. ناامید به سمت خانه برگشتیم. دم در که رسیدیم، موبایلمان به صدا درآمد. جواب دادیم: آقای موشکاف... بفرمایید!

- از بانک تماس می‌گیرم خدمتون. امروز اشتباهاً به‌جای هفت‌صد تومن، هفت میلیون به حساب شما واریز شده؛ به‌همین دلیل هم حسابتون مسدود شده. لطفاً با یه امین تشریف بیارید بانک تکلیف واریزی اضافه رو روشن کنیم.



این را که شنیدیم، زبانمان بند آمد، البته دقیق‌ترش را بخواهید، دچار لالی اختیاری شدیم. راستش حرف‌زدنمان که ما را به جایی نرساند، شاید این سکوت تلخ کاری از پیش ببرد.

## ارادتمند

### موشکاف زبان‌بسته

دیدیم، کیسه را زمین گذاشتیم و ترجیح دادیم با فکر میلیونر بودن سرخوش باشیم.



لباس و جوراب که نتوانستیم بخریم. تصمیم گرفتیم برویم سراغ آجیل. به‌هرحال ما دیگر با این هفتاد میلیون ریال در جرگه طبقات بالا به حساب می‌آییم و می‌توانیم برویم آجیل‌فروشی. وارد که شدیم مغازه شلوغ بود. چند دقیقه منتظر شدیم، اما خبری نشد و کسی کاری به کار ما نداشت. رفتیم سراغ شخصی که تصور می‌کردیم احتمالاً مدیر باشد. با صدایی کودکانه گفت: جانم؟ چه کمکی می‌تونم بکنم؟! با جدیت گفتیم: آجیل چهارمغز می‌خواهیم. با تردید گفت: چهارمغز! چشم! همین‌جا بشین برات می‌آرم. نیم کیلو بسه؟ گفتیم: قیمتش چنده؟ گفت: نگران نباش! ازت کم می‌گیرم. شما، روشندل‌ها، عزیز ما هستید. ما که دیگر انرژی بحث نداشتیم، بی‌حرفی مغازه را ترک کردیم. در حین خروج شنیدیم فروشنده با حرارت تمام برای مشتری دیگری از انواع آجیل‌ها و تنوع قیمت آنها می‌گفت و از مشتری می‌خواست اول همه را تست کند. پیش خودمان گفتیم ظاهراً پول‌دار هم باشیم، خیلی توفیری ندارد.

از مغازه که خارج شدیم، باز یک چیز محکم رفت تو قفسه سینه‌مان؛ دقیقاً همان‌جا که صبح آسیب دیده بود. ظاهراً بازهم موتور بود. صاحبش جلو آمد و با شرمندگی گفت: آخ داداش! ببخشید! موتور من بدجا بود. دیدیم صدایش آشناست. گفتیم: تو همون موتوری نیستی که یک ساعت پیش باهات برخورد کردم؟! گفت: آره داداش! دمت گرم! از کجا شناختی؟! خداوکیلی شما،



 **PAMA**  
**پیاما**



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: [www.naslemana.com](http://www.naslemana.com) / ایمیل: [info@naslemana.com](mailto:info@naslemana.com)

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶